

## عصر آهن و دوره تاریخی در مازندران: طبقه‌بندی و گونه‌شناسی مجموعه گورآوندهای گورستان

### شهنه پشته بابل

#### چکیده

در مطالعات عصر آهن مازندران تاکنون پژوهش جامعی در زمینه گاهنگاری بر پایه اشیاء تدفینی صورت نپذیرفته است. بیشتر مطالعات بر روی مجموعه‌های سفالی و از طریق بررسی‌های باستان‌شناسی بوده و کمتر مبتنی بر داده‌های حاصل از کاوش هستند و پیامد آن، توصیف، طبقه‌بندی و تحلیل گاهنگاری اغلب متأثر از رویکردهای تاریخ فرهنگی بوده است. در این میان، دو فصل کاوش و بررسی باستان‌شناختی در گورستان شهنه پشته بابل منجر به یافتن مجموعه‌ای از اشیاء تدفینی گردید که شاخص‌ترین و فراوان‌ترین آنها ظروف سفالی می‌باشد. گورآوندهای این محوطه دربردارنده مجموعه‌ای از اشیاء متنوع از جمله سفالینه‌ها، اشیاء فلزی شامل ظروف، جنگ‌افزارها و زیورآلات و همچنین ابزارآلات استخوانی و سنگی می‌باشند. از آنجایی که معمولاً سفالینه‌ها در بسیاری از گورستان‌ها از کمیت بیشتری برخوردارند، در گورستان شهنه پشته نیز با مجموعه‌ای از ظروف سفالی روبرو هستیم که دارای فرم‌ها و رنگ‌های مختلف بوده و عامل تعیین‌کننده‌ای در تبیین گاهنگاری نسبی و تعلق آنها به عصر آهن I تا IV / هخامنشی - اوایل اشکانی، یعنی اواخر هزاره دوم تا نیمه دوم هزاره اول پ.م هستند. همچنین، فلز آهن به ندرت از این گورستان یافت شده و در مقابل از مفرغ به فراوانی در قالب جنگ‌افزارها و زیورآلات استفاده شده است. در پژوهش پیش‌رو تلاش می‌شود به پرسش‌هایی در مورد گونه‌شناسی و طبقه‌بندی مجموعه اشیاء، ارتباطات تاریخی و گاه‌شناختی آنها و برهمکنش‌های سبکی و فرهنگی این محوطه با محوطه‌های هم‌افق درون منطقه‌ای در مازندران و برون منطقه‌ای در جلگه گرگان، گیلان، مرکز فلات و غرب ایران بررسی گردد. به نظر می‌رسد این محوطه در چهارچوب توالی فرهنگی مازندران دارای همگونی‌هایی با برخی محوطه‌های هم‌زمان همچون گوهرتپه، تپه پری‌جا، غار هوتو و لفورک است و در عین داشتن شباهت‌های سبک‌شناختی با تعدادی از محوطه‌های شاخص ایران مانند مارلیک، قلعه‌کوتی، کلورز، قیطرپه، خوروین، مرسین‌چال و سیلک اما دارای روندهای فرهنگی و برخی سبک‌های سفالی محلی خود می‌باشد.

کلید واژگان: عصر آهن، مازندران، گورستان شهنه پشته، اشیاء تدفینی، گونه‌شناسی و طبقه‌بندی

## مقدمه

پس از تحولات بزرگ اجتماعی- فرهنگی اواخر دوره مفرغ در سرتاسر ایران که محصول مجموعه‌ای از عوامل مختلف بود، پدیده‌های جدیدی در مناطق مختلف ایران شکل گرفت که بخش زیادی از آنها ریشه در رویدادهای دوره مفرغ جدید و هزاره دوم پ.م داشته و در نهایت بنیان‌های دوره آهن را تشکیل دادند. از مهم‌ترین آنها می‌توان به ظهور گورستان‌ها، استمرار فرهنگی سفال خاکستری سیاه براق در کنار دیگر سبک‌های سفالی همچون سفال خاکستری تیره و روشن و سفال قرمز رنگ عصر آهنی در نیمه شمالی ایران، همگانی شدن دست‌ساخته‌های آهنی در کنار اشیای مفرغی و توسعه حکومت‌های بزرگ منطقه‌ای اشاره نمود. در این میان به ویژه در بحث تاریخ‌گذاری نسبی محوطه‌ها وجود گورستان‌های بدون محوطه استقراری و سفال خاکستری دارای ارتباط تنگاتنگی با یکدیگر بوده و به دلیل کثرت زیاد و جنبه مطالعاتی بالا مورد توجه بیشتری قرار گرفته‌اند. در واقع گورستان‌ها همواره منبع مهمی جهت مطالعه روندهای فرهنگی و تحولات باستان‌شناختی عصر آهن ایران بوده‌اند و در شرایطی که محوطه‌های استقراری کمتری تاکنون یافت شده، گورستان‌ها به دلیل وجود مجموعه فراوانی از متغیرهای مطالعاتی شامل اشیاء و شیوهای تدفینی و معماری گورها نقش بسزایی داشته‌اند. یکی از مباحث بحث برانگیز دوره آهن که پس از چندین دهه بر مطالعات روند آغازین و تطور این دوره سایه افکنده، ظهور سفالینه‌های خاکستری‌رنگ براق است که همچنان مساله‌ای حل نشده باقی مانده است. اگرچه از دیگر ویژگی‌های سفالی عصر آهن وجود ظروف نخودی منقوش و قرمز- نارنجی نیز هست اما سفال خاکستری از اهمیت دو چندان در زمینه‌هایی همچون تاریخ آغاز عصر آهن، برهمکنش‌ها و همگونی فرامنطقه‌ای و مهاجرت‌های انسانی برخوردار است (بنگرید به: حسین‌زاده ساداتی و دیگران ۱۳۹۸؛ Burney, 1970 ; Kambakhsh Fard, 1970 ; Girshman, 1939; Young, 1965 ; پس از مطالعات گسترده باستان‌شناسانی همچون یانگ (یانگ، ۱۳۷۳)، دایسون (Dyson, 1965a; Dyson and Muscarella, 1989)، مدوسکایا (Medvedskaya, 1982)، ماسکارلا (Muscarella, 1974)، هرینک (Haerinck, 1988; Haerinck, 1989; Haerinck and Overlaet, 2004b) و واندنبرگ (واندنبرگ، ۱۳۴۸؛ Vanden Berghe, 1964) اخیرا با توسعه مطالعات میدانی باستان‌شناسی، داده‌های نوینی به دست آمده که نور تازه‌ای را بر مطالعات این دوره تابانیده است. کاوش‌های باستان‌شناسی در مناطق تهران و قزوین شامل محوطه‌های سگزآباد (فاضلی‌نشلی و دیگران، ۱۳۹۰) و پردیس (فاضلی‌نشلی و آقالاری، ۱۳۹۴)، منطقه کاشان شامل گورستان استرک- جوشقان (حسین‌زاده ساداتی و دیگران، ۱۳۹۸) و منطقه قم از جمله محوطه‌های قلی درویش (سرلک، ۱۳۹۰)، شمشیرگاه و صرم (فهیمی، ۱۳۸۲) نشان داده‌اند که سفال خاکستری سیاه، احتمالا فلزگری آهن (Fazeli Nashli et al., 2022: 155) و حتی پدیده گورستان مستقل از استقرارگاه بسیار پیشتر از آنچه تصور می‌شد، در

این مناطق مورد استفاده بوده و بنابراین ارتباط فرهنگی آنها با سفال‌های خاکستری دوره مفرغ شمال‌شرق و البته مردمان ایرانی‌زبان مورد تردید بیشتری قرار گرفت. ظاهراً به نظر می‌رسد شکل‌گیری گورستان‌های استرک-جوشقان، پردیس، قیطره، خورین، صرم و سیلک الف به سده‌های ۱۸ و ۱۷ پ.م به عقب رفته و از این‌رو پدیده گورستان به همراه فرهنگ سفال خاکستری براساس گاهنگاری مطلق به چند سده قدیمی‌تر از تاریخ‌گذاری پیشین و قبل از عصر آهن بازمی‌گردد (حسین‌زاده ساداتی و دیگران، ۱۳۹۸: ۴۳۴). در این میان، دایسون لایه V حسنلو را به حدود ۱۵۰۰-۱۲۵۰ پ.م و آغاز دوره آهن معرفی نموده بود که پس از آن لایه IVC در حدود ۱۲۵۰ پ.م به عنوان آهن II قرار می‌گرفت. برای سال‌های متمادی، لایه‌نگاری حسنلو معیاری برای تمام محوطه‌های منسوب به این دوره در سرتاسر ایران قرار گرفت اما پروژه بازنگری حسنلو که توسط مایکل دانتی صورت پذیرفت، تغییرات جدی را در توالی فرهنگی حسنلو ایجاد نمود، بطوری که دوره حسنلو V به عنوان ادامه دوره مفرغ جدید و حسنلو IVC به عنوان دوره آهن I معرفی شد (Danti, 2013a; 2013b). در منطقه مازندران نیز تعداد بالایی از محوطه‌های گورستانی و استقرارهای سطحی منتسب به دوره آهن وجود دارد که براساس مطالعات صورت‌گرفته، در میان ۳۵۰ محوطه شناخته‌شده از دوران پارینه‌سنگی تا عصر آهن، ۱۵ محوطه به عصر مفرغ و ۲۵۲ محوطه به دوره آهن تاریخ‌گذاری شده‌اند. از تعداد ۲۵۲ محوطه دوره آهنی تنها اطلاعات نزدیک به ۲۰ محوطه حاصل کاوش‌های باستان‌شناختی بوده و بقیه در بررسی‌های باستان‌شناختی معرفی شده‌اند (حیدری، ۱۳۹۵؛ Heidari et al., 2021). گویا به دلیل رویکرد باستان‌شناسی سنتی، بسیاری از محوطه‌های عصر مفرغی منطقه به اشتباه به عنوان محوطه‌های عصر آهن معرفی گردیده‌اند (بنگرید به: صفری، ۱۴۰۰). در نهایت می‌توان گفت نتایج کاوش‌های جدید در محوطه‌های عصر آهنی ایران از جمله گورستان شهنه پشته می‌تواند منجر به اصلاح دیدگاه‌ها در مورد روندهای فرهنگی عصر آهن مازندران و ایران گردد. در پژوهش پیش‌رو تلاش می‌گردد تا با طبقه‌بندی و گونه‌شناسی مجموعه گورآوندهای حاصل از ۳۹ تدفین این محوطه، به تبیین جایگاه شهنه پشته در عصر آهن مازندران و ایران و بررسی میزان کم و کیف بقایای مادی تدفین‌های آن بپردازیم.

### پرسش‌ها و فرضیات پژوهش

با توجه به مجموعه داده‌های حاصل از دو فصل کاوش و بررسی باستان‌شناختی در محوطه شهنه پشته شامل اشیاء تدفینی درون گورها و همچنین برخی ویژگی‌های تدفینی دیگر تلاش می‌گردد به برخی پرسش‌ها درباره طبقه‌بندی و گونه‌شناسی گورآوندها، ارتباطات گاهنگاری و ریخت‌شناسی و برهمکنش‌های فرهنگی این گورستان با دیگر محوطه‌های همزمان درون منطقه‌ای در مازندران و برون منطقه‌ای در گیلان، جلگه گرگان، فلات مرکزی و غرب ایران بررسی گردد. به نظر می‌رسد این محوطه همراه با وجود روندهای فرهنگی و سبک‌های سفالی محلی، در چهارچوب توالی فرهنگی درون منطقه‌ای دارای همگونی‌های فرمی با برخی محوطه‌های مازندران مانند لفورک، غار هوتو، گوهرتپه و تپه پری‌جا است و با تعدادی از محوطه‌های شاخص عصر آهن ایران همچون مارلیک، قلعه کوتی، کلورز، قیطره، خورین، مرسین-چال و سیلک دارای شباهت‌های سبک‌شناختی می‌باشد.

### روش پژوهش

با توجه به ماهیت میدانی این پژوهش، روش تحقیق به صورت شیوه توصیفی- تطبیقی بوده و اطلاعات مورد نیاز در مورد اشیاء تدفینی گورستان شهنه پشته بر اساس گزارش‌های مقدماتی کاوش از هر گور برداشت گردیده است. در نهایت جهت مطالعه، طبقه‌بندی و پردازش داده‌های باستان‌شناختی موجود، از روش کتابخانه‌ای به صورت استفاده از مقاله‌ها و گزارش‌های باستان‌شناسی در محوطه‌های هم‌افق در نقاط مختلف ایران استفاده شده است. این شیوه‌های مطالعاتی منجر به درک کامل‌تری از روندهای فرهنگی و میزان کمیت و کیفیت گورآوندهای موجود در تدفین‌های انسانی گورستان شهنه پشته شده است.

### مبانی پژوهش

یکی از متغیرهای مهم در زمینه مطالعات فرهنگ‌های مادی جوامع گذشته به ویژه از طریق تدفین‌های باستانی انسانی، بررسی میزان کمیت و کیفیت اشیاء تدفینی موجود در هر گور است که هم حاوی اطلاعات ارزشمندی در مورد مواد فرهنگی همراه گورخفته و هم در مورد بینش‌ها و آیین‌های معنوی خاکسپاری در اختیار پژوهشگران قرار می‌دهند. حتی گاهی به نظر می‌رسد که در بین برخی پژوهشگران، ارزش مطالعاتی گورآوندها کمی بیشتر از سایر متغیرها مانند معماری گور، حالت و جهت قرارگیری تدفین‌ها باشد، چرا که اشیاء تدفینی مجموعه بی‌نظیری از اطلاعات باستان‌شناختی و جامعه‌شناختی مانند میزان فراوانی و کیفیت اشیاء، ارتباط آنها با جایگاه و طبقه اجتماعی فرد، وجود آیین‌های ویژه خاکسپاری و همچنین مقایسه این اشیاء یا مواد فرهنگی مربوط به استقرارگاه (در صورت وجود) در اختیار ما قرار می‌دهند. علیرغم اهمیت حیاتی اشیاء تدفینی برای تاریخ‌اندیشه باستان‌شناسی، تعریف و تفسیر رضایت‌بخش از گورآوندها از دیرباز دشوار بوده است. در روزهای اولیه دانش باستان‌شناسی با وجود انگاره‌هایی در مورد اینکه چرا اشیاء ممکن است در گورها گنجانده شده باشند، بحث‌ها صرفاً روی این موضوع متمرکز می‌شدند که چه نوع اشیایی را می‌توان درون گورها یافت. در سال‌های اخیر، ملاحظات و مطالعات تدفین‌ها به جای شیء محوری صرف، بیشتر و اغلب برای الهام‌گرفتن از انسان‌شناسی استفاده می‌کنند. پژوهشگرانی که احتمالات مختلفی را در مورد اشیاء تدفینی بررسی می‌کنند اغلب به این نتیجه می‌رسند که در واقع تصمیم‌گیری بر اساس شواهد باستان‌شناسی بسیار دشوار است که کدام یک از انگیزه‌های ممکن برای گنجاندن اشیاء خاص در گورها مناسب‌تر می‌باشد (جدول ۱). همانطور که فردریک اکنگرن<sup>۱</sup> به سادگی بیان می‌کند «از کجا بفهمیم که اشیایی که نزد متوفی سپرده شده، آیا اموال شخصی، هدایا، لوازم آیینی یا اشیاء تشریفاتی بوده است یا خیر؟». در حالی که البته مهم است ما دلایل بسیاری را در نظر بگیریم که چرا و با چه معنی و منظوری اشیاء در گور گذاشته شده باشند، بطور کلی نتیجه‌گیری با قطعیت در این باره غیرممکن است (Cooper et al., 2020: 136).

جدول ۱: مجموعه‌ای از نظرات و تعاریف در مورد اشیاء تدفینی گورها (Cooper et al., 2020: 137, Tab. 1)

Tab 1: collection of comments and definitions about burial objects in graves (Cooper et al., 2020: 137, Tab. 1)

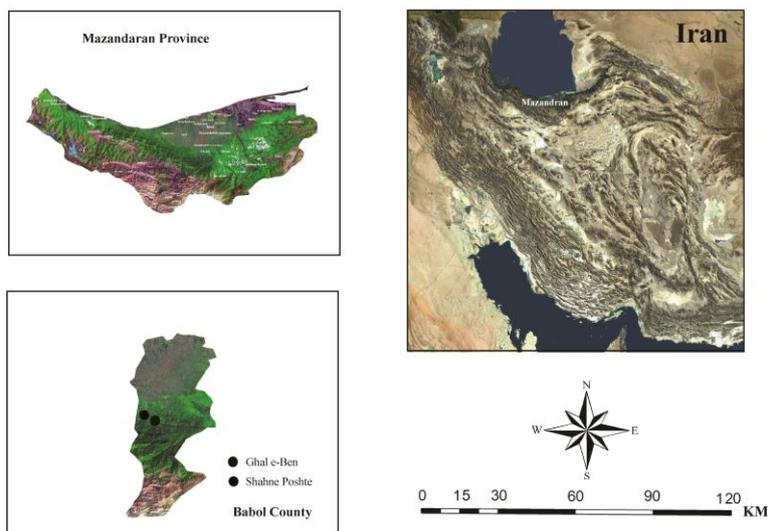
<sup>1</sup> Fredrik Ekengren

نظرات و لفرام گراجتسکی	نظرات هایپریش هارکه	نظرات روبرت هاردینگ
ظروفی برای مردگان	تجهیزاتی برای زندگی پس از مرگ	اثاثیه و وسایلی برای گور
تجهیزاتی برای سفر به دنیایی دیگر	اموال سلب‌نشده‌نی	زبورآلات شخصی و لوازم لباس
لوازمی برای خانه فرد درگذشته در دنیای دیگر	هدیه	نشانه‌هایی برای رتبه یا موقعیت فرد در جامعه
«دست‌های کمک‌کننده» برای زندگی پس از مرگ (بطور مثال خدمتکاران فرد درگذشته)	شاخص‌هایی برای رتبه، موقعیت و هویت فرد	لوازم تدفین
باقیمانده مراسم آیینی خاکسپاری	استعاره از چیزی یا مفهومی	باقیمانده‌های فرآیند مراسم خاکسپاری
به عنوان نگهبان و محافظ (برای محافظت در برابر زنده‌ها)	یادبوده‌هایی از جشن / مراسم خاکسپاری	نشانه‌های احترام از سوی خویشاوندان، اطرافیان و غیره
اشیاء محافظتی (مورد استفاده در زندگی دنیوی برای زندگی پس از مرگ)	هدیایی به فرد گذشته	پیشکش به ماوراءالطبیعه
اشیاء و لوازم شخصی	هدیه به یک خدا یا الهه	-
اشیایی که هویت اجتماعی درگذشته را حفظ می‌کنند	خلاص شدن از لوازم ناپاک	-
پیام‌هایی (به مردگان)	محافظت از زنده‌ها (و مردگان؟)	-

### موقعیت محوطه شهینه پشته

محوطه باستانی شهینه پشته با وسعت حدود ۱۱ هکتار در جنوب غربی شهر خوش‌رودپی در بخش بندپی غربی و فاصله ۲۱ کیلومتری جنوب شهر بابل قرار گرفته است (شکل ۱). این محوطه بزرگ با کارکردهای گورستانی و استقرار دامنه‌های شمالی رشته کوه‌های البرز مرکزی جای گرفته و به خودی خود نشان‌دهنده ماهیت مردمان کوچرو و دامدار عصر آهن در ارتفاعات مازندران بوده است. این محوطه تاکنون طی دو فصل مورد بررسی و کاوش‌های گسترده باستان‌شناسی قرار گرفته که ماحصل آن، یافتن ۳۹ بقایای اسکلت انسانی برجا و قابل مطالعه و همچنین کشف بخش استقرار کوچکی حاوی فضای مسکونی و اجاق بوده است. این گورستان ابتدا در سال ۱۳۹۷ همزمان با تپه قلعه‌بن در فاصله ۵۰۰ متری شمال آن مورد کاوش محدود قرار گرفت که منجر به شناسایی ۱۱ تدفین انسانی گردید (فاضلی‌نشلی، ۱۳۹۷). سپس ماحصل کاوش‌های سال ۱۳۹۹، یافتن ۲۸ تدفین انسانی و فضای استقراری کوچکی بود (شکل ۲) (فاضلی‌نشلی، ۱۳۹۹). شایان ذکر است در طول کاوش‌ها شواهدی از وجود ۳۲ تدفین کاملاً تخریب‌شده دیگر نیز شناسایی گردید که متأسفانه از قابلیت هرگونه مطالعات باستان‌شناختی بی‌بهره بودند. بدین ترتیب، مطالعات گسترده باستان‌شناسی بر روی ۳۹ اسکلت انسانی قابل مطالعه که در قالب ۲۸ گور گروهی و انفرادی (۱۱ تدفین در فصل نخست و ۲۸ تدفین در فصل دوم) قرار گرفته‌اند، منجر به دستیابی به مجموعه‌ای از داده‌های مهم باستان‌شناختی گردید که مطالعه آنها کمک شایانی به شناخت هرچه بیشتر فرهنگ‌های دوره آهن مازندران و ایران خواهد نمود. در مورد مبحث بسیار مهم گاهنگاری این محوطه می‌توان اشاره کرد که مجموعه‌ای از تاریخ‌گذاری‌های مقایسه‌ای اشیاء تدفینی و سن‌سنجی مطلق کربن ۱۴ روی پنج اسکلت انسانی ثابت نمود که یافته‌های ۳۹ تدفین انسانی کاوش‌شده در این گورستان دارای ارتباطاتی با محوطه‌های عصر آهنی درون منطقه‌ای در مازندران و برون منطقه‌ای در سایر بخش‌های فلات ایران هستند. به بیان دیگر، نتایج

مطالعات گاهشناختی گورستان شهنه پشته بر ما آشکار نمود که ۲۹ تدفین انسانی به بازه زمانی اواخر هزاره دوم تا نیمه هزاره اول پ.م تعلق داشته که تحت عنوان «تدفین‌های گروه آهن I تا III» نامیده می‌شوند و ۱۰ تدفین دیگر (همگی در ترانسه ۶ در کنار یکدیگر) به بازه زمانی اواخر هخامنشی – اوایل اشکانی (آهن IV) مربوط می‌شوند و در نتیجه می‌توان گفت که به نوعی شاهد استمرار فرهنگی مردمان جامعه عصر آهن شهنه پشته در اینجا هستیم.



شکل ۱: موقعیت جغرافیایی گورستان شهنه پشته در استان مازندران و ایران (نگارندگان، ۱۴۰۴)

Fig 1: Geographical location of Shahneh Poshte Cemetery in Mazandaran Province and Iran (Authors, 2025)



شکل ۲: تصویر هوایی از محوطه باستانی شهنه پشته (نگارندگان، ۱۴۰۴)

Fig 2: Aerial view of the Shahneh Poshte Cemetery (Authors, 2025)

## گورآوندها و اشیاء تدفینی گورستان شهنه پشته

گورستان شهنه پشته به عنوان یک محوطه و گورستان عصر آهنی حاوی مجموعه بسیار غنی از گورآوندها است که از بین ۳۹ تدفین موجود، ۲۷ تدفین آن (۷۰٪) دارای اشیاء تدفینی می‌باشند. این تدفین‌ها با جنسیت‌های مردانه و زنانه و برخی نامشخص در رده‌های سنی مختلف کودک، نوجوان، جوان، میان‌سال و بزرگسال بوده و هر تدفین به فراخور جایگاه فردی و اجتماعی دارای تعدادی شیء تدفینی می‌باشد. این اشیاء مجموعه متنوعی از ظروف سفالی و فلزی، اشیاء زینتی و زیوآلات، جنگ‌افزارها و ابزارآلات را در بر می‌گیرد. هر کدام از اشیاء دارای مجموعه‌ای از ویژگی‌های ریخت-ساختی و تزئینی بوده که قابل تقسیم‌بندی به زیرگروه‌های کوچک‌تری هستند.

### ۱. ظروف سفالی

در میان اشیاء تدفینی گورستان شهنه پشته ظروف سفالی بیشترین فراوانی را در میان دیگر گروه‌ها داشته و دارای چندین گونه فرم با ویژگی‌های ریخت‌شناسی خاص خود می‌باشد. بدین‌روی، در مجموع ۴۱ عدد ظرف سفالی قابل طبقه‌بندی به دست آمده که از حیث ریخت‌شناسی می‌توان به ۸ گروه کلی تنگ‌ها، کوزه‌ها، کاسه‌ها (آبریزدار و پایه‌دار)، ظرف سه-پایه‌دار، پیاله، شیرمک، بخوردان/اصافی و ظروف آشپزخانه‌ای و در رنگ‌های مختلف مانند خاکستری، قرمز، قهوه‌ای و قرمز نارنجی تقسیم‌بندی نمود.

#### ۱-۱. تنگ‌ها

در میان اشیاء تدفینی این محوطه ۱۷ عدد تنگ به دست آمده که از حیث رنگ پوشش و ریخت‌شناسی به چند دسته قابل تفکیک می‌باشند. این ظروف از نظر رنگ پوشش شامل خاکستری پنج نمونه، قرمز دو نمونه، قرمز مایل به نارنجی/آجری شش نمونه، خاکستری روشن، نارنجی، قهوه‌ای و قهوه‌ای مایل به خاکستری هر کدام یک عدد می‌شود. همچنین از منظر ریخت‌شناسی می‌توان آنها را در دو گروه کلی تقسیم‌بندی نمود که گروه اول خود به سه زیرگروه تقسیم می‌شود:

۱- ظروف با بدنه مدور/بیضوی با گردن مقعر بلند: الف- دارای دسته عمودی در طیف خاکستری، قرمز نارنجی، نارنجی و قهوه‌ای (شکل ۳: ۱-۸).

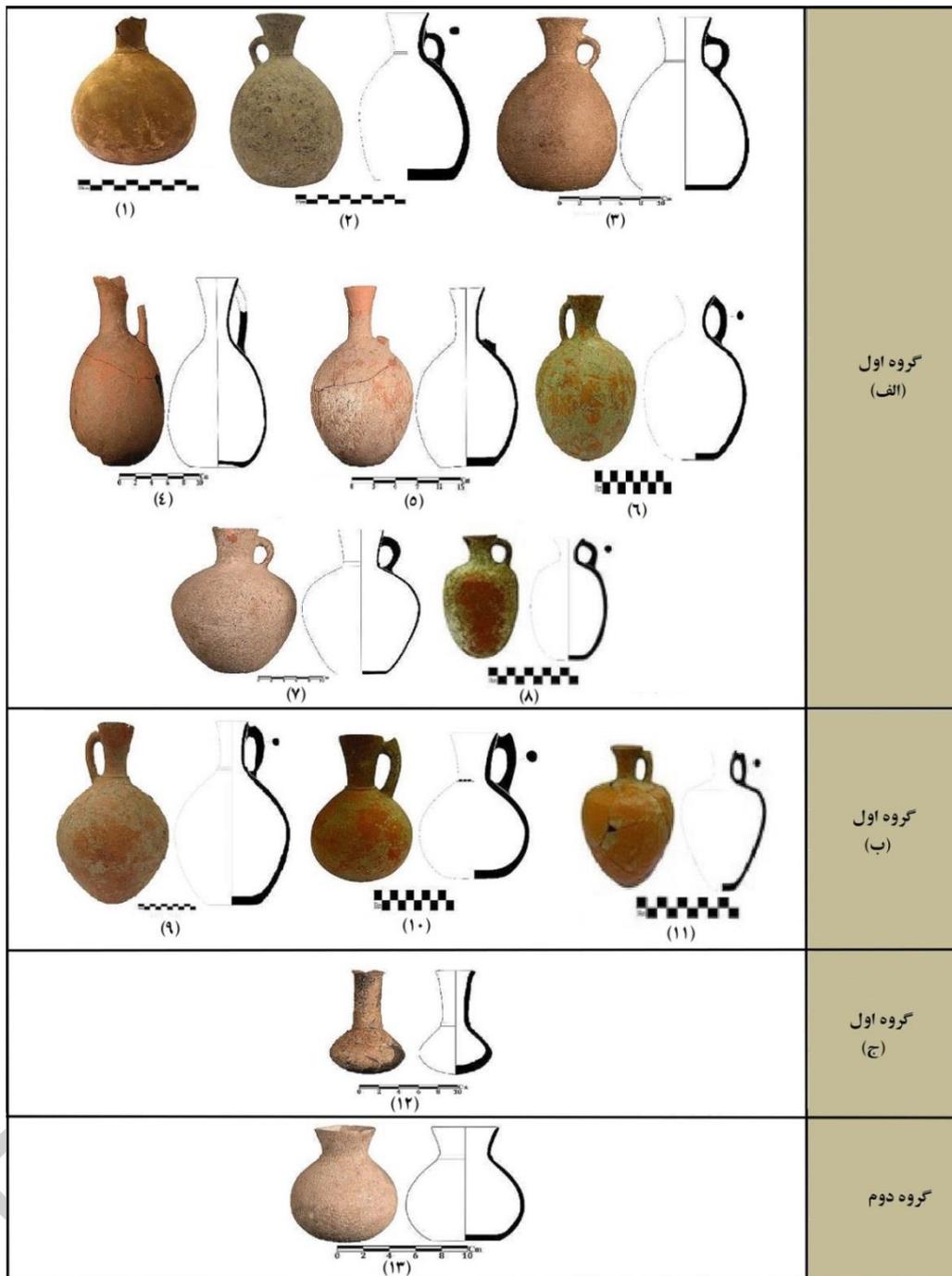
ب- دارای دسته انحادار (دماغی/شکل/کوهان‌دار) در طیف قرمز و قرمز مایل به نارنجی (شکل ۳: ۹-۱۱).

ج- دارای بدنه مینیاتوری بدون دسته خاکستری‌رنگ (شکل ۳: ۱۲).

۲- بدنه تخم‌مرغی شکم‌دار با دهانه بازتر، خاکستری‌رنگ (شکل ۳: ۱۳).

همچنین در مورد فرم دسته‌های ظروف، به طور کلی به دو گروه دسته‌های عمودی ساده بیضی‌شکل و دسته‌های عمودی بیضی‌شکل انحادار (کوهان‌دار / دماغی‌شکل) تقسیم می‌شوند. گروه نخست را می‌توان در تنگ‌های شماره ۱ تا ۸ و گروه دوم را در تنگ‌های شماره ۹، ۱۰ و ۱۱ مشاهده نمود (شکل ۳). شایان ذکر است که دسته‌های انحادار با یک برآمدگی چسبیده به لبه، غیر از گروه تنگ‌ها، تنها در پیاله کوچکی در تدفین ۲۰ (شکل ۶) دیده شده که نشان از رواج اینگونه از دسته‌ها در یک بازه زمانی گسترده (تا دوره هخامنشی/اشکانی) است. دسته‌های انحادار معمولاً دارای یک

برجستگی و بالآمدگی (کوهانی شکل) در قسمت میانی بدنه و یا در نقطه اتصال به لبه ظرف هستند. به علاوه در بحث نقوش و تزیینات، دو نوع تزیین رایج به صورت نوار مدور افقی بطور برجسته یا کُنده بر روی گردن ظروف وجود دارد که از لحاظ فراوانی، بیشتر بر روی ظروف خاکستری و سپس قرمز نارنجی مشاهده می‌شود. تزیین نوع اول به شکل نوار افقی برجسته مدور بر روی تنگ‌های شماره ۱، ۲، ۹، ۱۰، ۱۲ و ۷ و ۱۳ و تزیین نوع دوم یعنی نقش کُنده تنها بر روی ظرف شماره ۳ وجود دارند (شکل ۳). علاوه بر این، از لحاظ ابعاد، قطر دهانه این گونه ظروف بین حداقل ۵ تا حداکثر ۱۷ سانتی‌متر و قطر کف بین حداقل ۹ تا حداکثر ۱۴ سانتی‌متر می‌باشد. در نهایت می‌توان به برخی فرم‌های مشابه تنگ‌های شهینه پشته در دیگر محوطه‌های عصر آهنی مازندران و ایران اشاره نمود، از جمله در قلعه کوتی I (Fukai and Ikeda, 1971: Pl. XXXI: 7)، منطقه رودبار (حاکمی، ۱۳۹۶: ۲۵۳، ت. ۳۷۰)، مارلیک (Negahban, 1996: Pl. 101: 505)، بویه (Jahani, 2011: 43, Fig. 21: 26)، کلورز (حاکمی، ۱۳۹۶: ۱۲۶، ت. ۱۷۵)، املش (عزیزی‌خرانقی و معجزاتی، ۱۴۰۰: ۱۱۹)، مرسین چال (نعمتی، ۱۴۰۲: ۱۲۷، ت. ۵)، لفورک (عابدینی‌عراقی، ۱۳۹۶: ۲۴۱، ش. ۶-۴)، گنداب (شریفی‌هولائی، ۱۳۸۶: ۲۴۲، ش. ۲)، گورستان قشلاق (Negahban, 1996: Pl. 101: 503)، تول تالش (خلعتیری، ۱۳۸۳ الف: ۶۷، ت. ۱۹؛ همان: ۶۸، ت. ۲۴)، خوروین (کیانی، ۱۳۵۷: ۱۶)، تپه کبودوال علی‌آبادکتول (میرموسوی و نوکنده، ۱۳۹۶: ۴۱، ت. ۴: ۱۵-۲)، پشت لام زیارت گرگان (علاءالدین، ۱۳۹۴: ۱۶۱، ج. ۸-۱) و تپه پردیس (فاضلی‌نشلی و آقالاری، ۱۳۹۴: ۱۶۸، ت. ۱۹: ۲).



شکل ۳: گونه‌شناسی تنگ‌های سفالی تدفینی در گورستان شهنه پشته (نگارندگان، ۱۴۰۴)

Fig 3: Typology of burial jars in Shahneh Poshte cemetery (Authors, 2025)

## ۱-۲. کوزه‌ها

کوزه‌ها از دیگر گروه‌های مهم سفالینه‌های گورستان شهنه پشته می‌باشند که ۱۲ عدد از آنها در تدفین‌ها به دست آمده و از حیث رنگ و ریخت‌شناسی به چند دسته تقسیم می‌شوند. از نظر رنگ پوشش کوزه‌ها شامل گروه‌های خاکستری سه

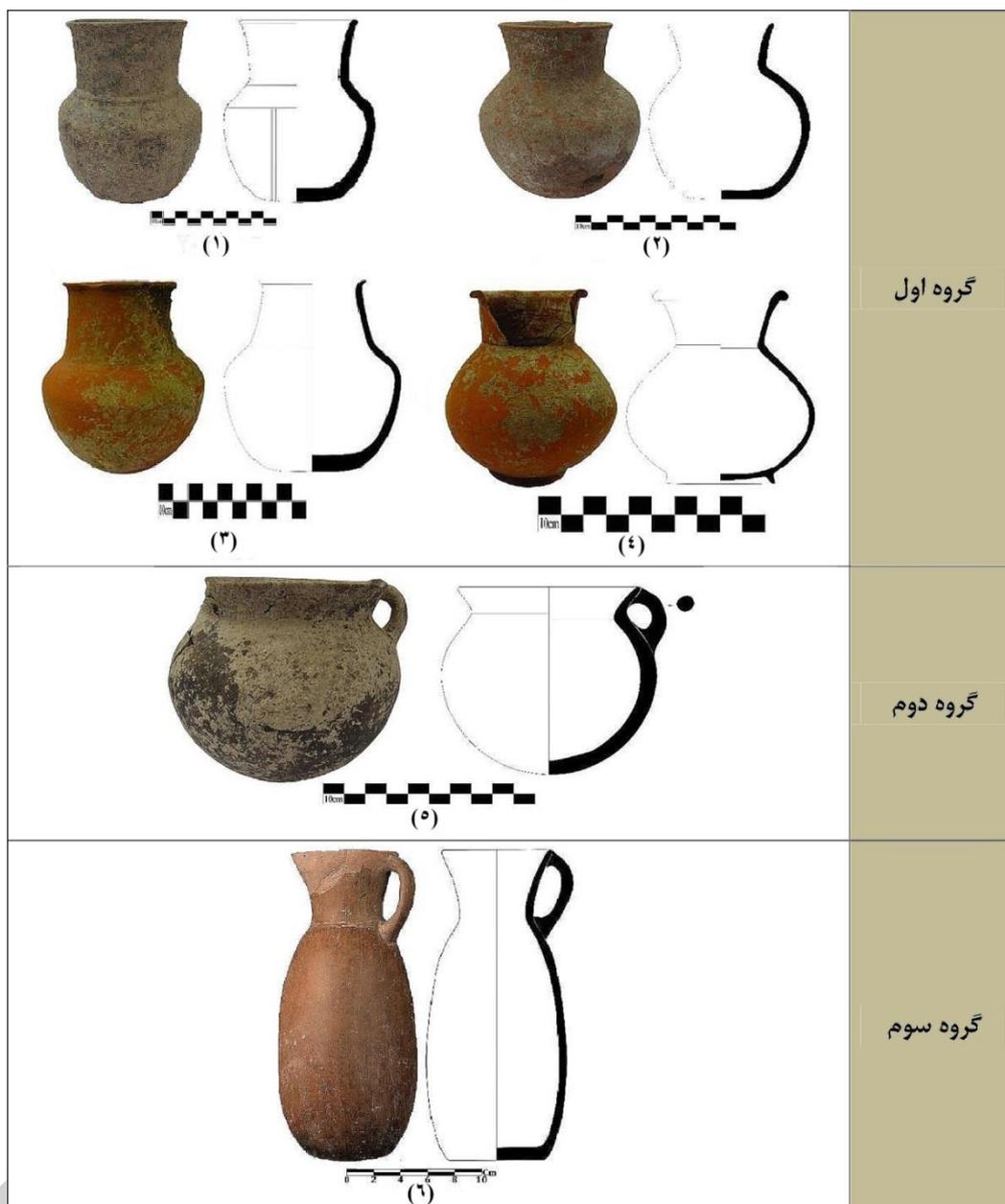
نمونه (یک عدد مشابه ظروف آشپزخانه‌ای)؛ قرمز مایل به نارنجی/آجری پنج نمونه؛ قرمز مایل به قهوه‌ای یک نمونه و رنگ قهوه‌ای سه نمونه می‌باشند. به علاوه، این ظروف را از حیث فرم می‌توان به سه گروه کلی تقسیم نمود و در این میان برخی را به دلیل تخریب زیاد نمی‌توان در هیچ گروهی قرار داد:

۱- بدنه مدور/بیضی زاویه‌دار و شانهدار، گردن استوانه‌ای بلند با دهانه باز، یک مورد لبه به خارج برگشته و اغلب لبه ساده، یک مورد پایه‌دار و اغلب بدون پایه (خاکستری، قرمز مایل به نارنجی، قهوه‌ای) (شکل ۴: ۱-۴).

۲- بدنه مدور با دهانه بسیار باز و لبه اریب به خارج برگشته (شکل ۴: ۵).

۳- بدنه استوانه‌ای بلند با یک دسته عمودی (قهوه‌ای رنگ تنها یک مورد خاص) (شکل ۴: ۶).

علاوه بر این در مورد تزیینات بدنه، دو نوع نقشمایه مشاهده می‌شود. یک تزیین رایج به صورت نوار برجسته شامل یک نوار برجسته افقی روی گردن و یک نوار عمودی برجسته روی بدنه که از لحاظ فراوانی تنها بر روی یک ظرف خاکستری وجود دارد (شکل ۷: ۱). از این حیث، به نظر می‌رسد تزیین نواری روی گردن در میان تنگ‌ها و کوزه‌ها مشابه و رایج بوده است. به علاوه، نقش داغدار به صورت طرح‌های شطرنجی روی سطح بدنه کوزه شکسته‌ای وجود دارد که نشان از استمرار وجود طرح‌های داغدار تا اواخر هزاره اول پ.م (آهن IV/هخامنشی تا اوایل اشکانی) است. در این میان می‌توان به فرم‌های مشابه کوزه‌های شهینه پشته در دیگر محوطه‌های عصر آهنی مازندران و ایران اشاره نمود از جمله کوزه‌های شماره ۱ تا ۴ (شکل ۴) دارای نمونه‌های نسبتاً مشابهی در منطقه رودبار (Jahani, 2011: 43, Fig. 21: 17)، زرچال املش (عزیزی‌خرانقی و معجزاتی، ۱۴۰۰: ۱۰۵)، تول تالش (خلعتبری، ۱۳۸۳ الف: ۶۷، شکل ۲۰؛ همان: ۶۹، شکل ۲۷)، وسکه (خلعتبری، ۱۳۸۳ ب: ۲۲۹، شکل ۲۴)، میان‌رود (همان: ۲۳۶، شکل ۵۱)، کلورز (Tadahiko and Takuro, 2006: 11, Fig 3: 35, 36; Ibid: 19, Fig. 11) و حسنی محله (Nishiaki et al., 2006: 153, Pl. 74, Fig. 2).



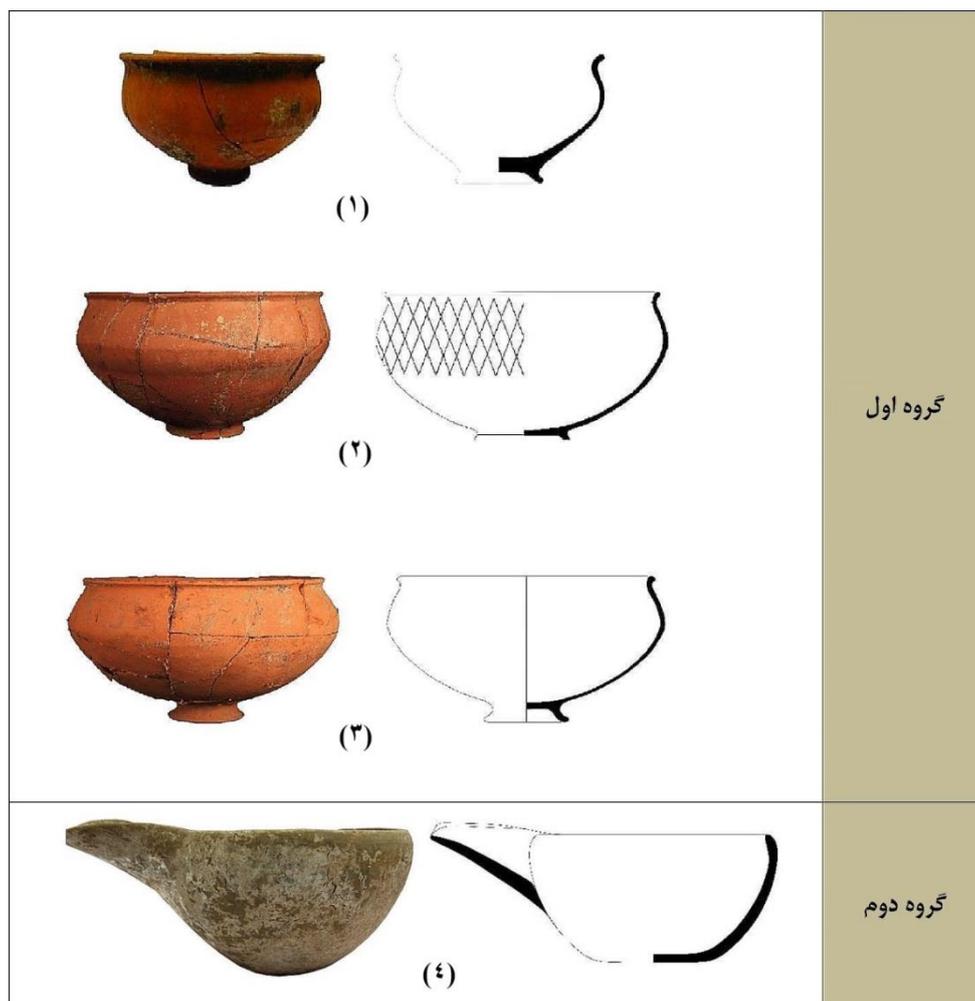
شکل ۴: گونه‌شناسی کوزه‌های سفالی تدفینی (نگارندگان، ۱۴۰۴)

Fig 4: Typology of burial jugs in Shahneh Poshte cemetery (Authors, 2025)

### ۱-۳. کاسه‌ها

از تدفین‌های گورستان شهنه پشته ۵ نمونه کاسه به دست آمده که از لحاظ فرم به ۲ گروه و از لحاظ رنگ پوشش به ۶ گروه قابل تقسیم‌بندی هستند. این ظروف از لحاظ پوشش به گروه‌های خاکستری یک نمونه، قرمز مایل به نارنجی/آجری یک نمونه، قهوه‌ای روشن یک نمونه، نارنجی مایل به قهوه‌ای روشن یک نمونه و نارنجی یک نمونه تفکیک می‌شوند. همچنین از نقطه نظر ریخت‌شناسی می‌توان به گروه‌های کاسه‌های پایه‌دار (پایه دکمه‌ای) و کاسه‌های

آبریزدار (ناودانی شکل) طبقه بندی نمود. گروه نخست (شکل ۵: ۱-۳) به صورت کاسه های پایه داری است شامل بدنه مدور یا زاویه دار که روی یک پایه مدور قرار دارند. پایه های آن به صورت کوتاه بوده که در برخی ظروف عصر آهن ایران با اصطلاح «پایه دکمه ای» نامیده می شوند. از نمونه های مشابه در محوطه های عصر آهنی ایران می توان به گورستان لفورک (عابدینی عراقی، ۱۳۹۶: ۱۷۲، شکل های ۴-۶ و ۴-۷)، کلورز (Tadahiko and Takuro, 2006: 21, Fig. 13)، میان رود (خلعتبری، ۱۳۸۳: ۲۰۲، لوح ۱۵، ش. ۱۵) و قلعه کوتی I (Nishiaki et al., 2006: 25, Pl. 10, Fig. 1) اشاره نمود. گروه دوم، کاسه آبریزدار/ناودانی شکل از نوع خاکستری و نارنجی رنگ بوده (شکل ۵: ۴) که دارای بدنه مدور با آبریز ناودانی شکل کوتاه می باشند و از حیث دسته به دو نوع ساده بدون دسته و دسته دار (دسته عمودی) تقسیم می شوند. از کاسه های مشابه در دیگر محوطه های عصر آهنی می توان به نمونه های گوهر تپه (Piller and Mahfrouzi, 2009: 10, Fig. 12)، پری جا (رضائی نیا و دیگران، ۱۴۰۰: ۵۹، ت. ۳)، قلعه کوتی II (Fukai and Ikeda, 1971: Pl. XXVI: 7)، تندوین (خلعتبری، ۱۳۸۳: ۲۲۸، لوح ۸: ۱، ۳)، مریان (همان: ۲۲۸، لوح ۸: ۷، ۱۰) و قلعه کوتی I (Nishiaki et al., 2006: 81, Pl. 38: 1, 2) اشاره کرد. علاوه بر این، در میان تمام کاسه ها، تنها یک کاسه پایه دار (شکل ۵: ۲) دارای نقش مایه طرح داغدار به شکل لوزی های منظم به هم چسبیده بر روی سرتاسر شانه ظرف است. این نوع از طرح های داغدار در برخی کاسه های گورستان مارلیک (Negahban, 1996: Fig. 26: 585-856)، جیران تپه ازبکی (مجیدزاده، ۱۳۸۹: الف: ۵۱۰، ت. ۲۷۲: ۵۲۵، ت. ۳۰۳؛ مجیدزاده، ۱۳۸۹: ب: ۱۳۹، لوح ۳۲: ۲، ۵، ۷) و گورستان الف سیلک (Girshman, 1939: Pl. XXXIX: S453b; XLII: S503a) دیده می شوند. در نهایت در مورد ابعاد کاسه ها می توان گفت بیشترین قطر دهانه ۳۴ و بیشترین قطر کف ۱۳ سانتی متر است.



شکل ۵: گونه‌شناسی کاسه‌های سفالی تدفینی (نگارندگان، ۱۴۰۴)

Fig 5: Typology of burial bowls (Authors, 2025)

#### ۴-۱ ظرف سه پایه

این گونه از ظروف که گاهی از آن به عنوان کاسه و همچنین ظروف میوه‌خوری نیز یاد می‌شود (کامبخش‌فرد، ۱۳۷۹: ۲۲۶)، به صورت یک ظرف یا کاسه دهانه گشاد بوده که بر روی سه پایه بلند قرار دارد و خود پایه‌ها به صورت اریب در قسمت پایین‌تر به یک پایه ساقه‌دار متصل می‌شوند. در بین گورهای کاوش‌شده شهانه پشته تنها یک نمونه از آن به دست آمده و نمونه دیگر به صورت یک ظرف شکسته در بررسی‌های سطحی گورستان یافت شده که نشان از رایج‌بودن این گونه از ظروف در اینجاست. ظرف سالم سه پایه قهوه‌ای‌رنگ (شکل ۶) از تزیینات داغدار خاصی برخوردار بوده، بطوری که بدنه کاسه دارای خطوط افقی کمی انحنا دار و همچنین پایه ساقه‌دار دارای خطوط اریب هاشوری‌شکل در تمام سطح آن می‌باشد. قطر دهانه آن ۲۳، قطر کف ۱۳، ارتفاع ۳۱ و عمق کاسه ۱۱ سانتی‌متر است. تاکنون نمونه‌های مشابهی از اینگونه ظروف در گورستان گنداب (شریفی‌هولائی، ۱۳۹۶: ۵۷)، غار هوتو (نقشینه، ۱۳۸۴: ۷۷، شکل ۵: ۱۱)، گوهرتپه (AG2IV-7) (Piller and Mahfrozzi, 2009: 11, Fig. 14: 5a-c) و لفورک (عابدینی‌عراقی، ۱۳۹۶: ۱۸۹،

طرح ۳-۴: ۴۲) احتمالاً مربوط به آهن II و III و همچنین نمونه‌های نسبتاً قدیمی‌تری از گورستان قیطریه (کامبخش - فرد، ۱۳۷۹: ۱۵۰، ۲۲۷، شکل. الف، ب، ج؛ فرخ‌نیا، ۱۳۹۹: ۱۲۳، جدول ۲) و گورستان قره‌تپه سگزآباد (ده‌پهلوان و دیگران، ۱۳۹۸: ۳۸۵، شکل ۱۵) یافت شده که تداوم و روند تغییرات سبکی این گونه ظروف حتی تا دوره‌های هخامنشی - اشکانی را نشان می‌دهند و نمونه شهنه پشته متعلق به همین تاریخ است.

#### ۵-۱. پیاله‌ها

در بین مجموعه سفالینه‌های این گورستان، دو پیاله کوچک سفالی یافت شده است. پیاله شماره ۱ ظرف قهوه‌ای‌رنگ کوچک دارای دو دسته عمودی کوهان‌دار (انحنادار) در بخش اتصال به لبه با یک دهانه باز است. پوشش بدنه آن به حالت پوسته‌پوسته بوده و ظاهر خشن آن یادآور ظروف آشپزخانه‌ای است اما به دلیل فرم خاص و ابعاد کوچک آن شامل قطر دهانه ۶/۵ و قطر کف ۷ سانتی‌متر بیشتر در گروه پیاله‌ها قرار می‌گیرد. از نمونه‌های مشابه با آن می‌توان به نمونه گور شماره ۳۱ گورستان ب سیلک (Girshman, 1939: Pl. LXIII, S. 849) و کلورز (حاکمی، ۱۴۰۰: ۱۰۶، ت. ۱۲۴) اشاره نمود. همچنین پیاله شماره ۲ دارای پوشش گلی غلیظ قهوه‌ای‌رنگ و دارای یک دسته عمودی و دهانه نسبتاً بسته و تنگ است که از فرم ویژه‌ای برخوردار می‌باشد (شکل ۶: شماره‌های ۱ و ۲).

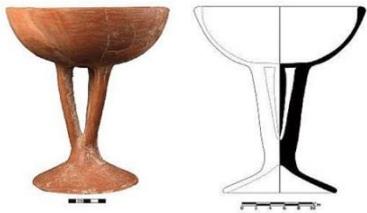
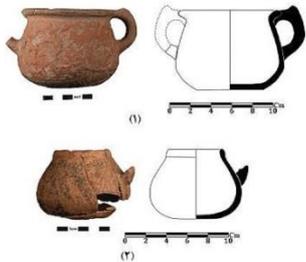
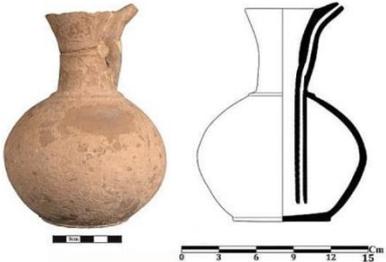
#### ۶-۱. شیرمک

یکی دیگر از منحصربفردترین ظروف سفالی محوطه شهنه پشته، ظرف موسوم به شیرمک است که تنها یک نمونه از آن در این گورستان یافت شده است. اینگونه از ظروف بسیار ویژه هم به طور خاص در شهنه پشته و هم به طور عام در بین محوطه‌های عصر آهنی ایرانی از جایگاه یکتایی برخوردار است، بطوری که از زمان کشف اولین نمونه‌های آن در گورستان ب سیلک و به ویژه قیطریه تا به حال، همچنان موقعیت منحصربفردی در بین گورآوندهای عصر آهنی دارد و حتی نامگذاری آن نیز مرهون کاوشگر گورستان قیطریه بوده است (کامبخش‌فرد، ۱۳۷۹: ۱۸۵). شیرمک شهنه پشته (شکل ۶) از گور یک کودک با معماری خاص گور دارای پوشش قطعات سفالی به دست آمده و وجود همزمان شیرمک و پوشش ویژه گور آن، برای این گور جایگاه ویژه‌ای را ایجاد نموده است. این ظرف به رنگ خاکستری‌روشن دارای بدنه‌ای مدور با گردن نسبتاً و یک بخش لوله‌ای نی‌مانند است. از نمونه‌های متنوع دوره آهن می‌توان به شیرمک‌های گوهرتپه (Piller and Mahfrouzi, 2009: 12, Fig. 14: 4a-b; Ibid: 14, Fig. 18)، گورستان تاور ساری (فلاح‌کیایی، ۱۳۹۵: ۳۷)، قیطریه (کامبخش‌فرد، ۱۳۷۹: ۱۸۶؛ فرخ‌نیا، ۱۳۹۹: ۱۱۶، ۱۱۷، جدول ۱، ۱۲۵، جدول ۲)، میان‌رود تالش (خلعتبری، ۱۳۸۳: ب: ۲۰۰، لوح. ۱۴، ش. ۵) و گورستان ب سیلک (Girshman, 1939: Pl. XVI: 2,8) اشاره نمود که به طور نسبی به محدوده زمانی آهن I تا III تاریخ‌گذاری شده‌اند.

#### ۷-۱. بخوردان / صافی

از ظروف بسیار شاخص گورستان شهنه پشته، ظرف کوچک و پیاله‌مانندی است که با وجود سوراخ‌های زیاد بر روی بدنه می‌توان احتمالاً کارکرد بخوردان یا صافی را برای آن متصور بود. این ظرف سفالی خاکستری‌رنگ دارای یک بدنه کوچک مدور و یک دسته بلند بیضی‌شکل افقی و تعداد زیادی سوراخ کوچک با قطر حدود ۷ میلی‌متر در دو ردیف موازی

است (شکل ۶). به علاوه، خطوط کنده اریبی روی لبه بطور منظم و روی بدنه بطور پراکنده ایجاد شده که احتمالاً نوعی تزیین کننده به شمار می‌رود. اگر این ظرف را به عنوان صافی/آبکش در نظر بگیریم، تفاوت آن با دیگر صافی‌های شاخص عصر آهن، محل قرارگیری سوراخ‌های بدنه است که در آنها در بخش وسط و پایین بدنه بیشتر به سمت کف می‌باشد. اما در نمونه شهینه پشته این سوراخ‌ها نسبتاً در نیمه بالای ظرف قرار گرفته‌اند و با توجه به حالت دوده‌زدگی بدنه و کیفیت پخت پایین، یادآور بخوردان‌ها است. بر اساس فرم، این ظرف قابل مقایسه با برخی نمونه‌های عصر آهنی I تا III از جمله خورویین (صمدی، ۱۳۳۴: ۱۴۲، ش. ۵)، شمشیرگاه قم (Fahimi, 2010: 181, Fig. 11)، مارلیک (Ghirshman, 1939: Pl. II, S570; Pl.LX, S651) و گورستان ب سلیک (Negahban, 1996: Pl. 116: 636) می‌باشد. همچنین از لحاظ کاربری بخوردان دارای نمونه‌های مشابهی در دوره مفرغ در شمال کشور همچون تپه قلعه-کش آمل (امیرکلایی، ۱۳۸۷: ت. ۱۱)، ترنگ‌تپه (Olson & Thornton, 2019: 24, Fig. 21: e)، گوهرتپه (Piller and Mahfroozi, 2009: 7, Fig. 8: 5) و شاه تپه (Arne, 1945, Pl. LV, Figs. 435-437) و همچنین دو نمونه عصر آهنی در دشت گرگان در تپه بازگیر (عباسی، ۱۳۹۴: ۱۰۸، ش. ۷۳: ۱۹) و تپه شریف گرگان (رضایی، ۱۳۹۷: ۲۲۳، ت. ۵) است.

	<p>ظرف سه پایه دار</p>
	<p>بیاله‌ها</p>
	<p>شیرمک</p>
	<p>بخوردان/ صافی</p>

شکل ۶: گروه‌های سفالی تدفینی شامل ظروف سه پایه، بیاله‌ها، شیرمک و بخوردان/صافی (نگارندگان، ۱۴۰۴)

Fig 6: Burial earthenware Groups including tripod, small cups, milk-vase (shirmāk) and censer/strainer (Authors, 2025)

### ۸-۱. ظروف آشپزخانه‌ای

آخرین گروه از سفالینه‌های تدفینی شه‌نه پشته، ظروف آشپزخانه‌ای است که به دلیل پخت نامناسب و نوع کاربری، از وضعیت حفاظت‌شدگی خوبی برخوردار نبوده و به صورت شکسته یافت شدند. از اینگونه ظروف ۳ نمونه به دست آمده و نکته شایان توجه، قرارگیری هر سه مورد در پایین پای گورخفتگان بوده است. همچنین ظروف دیگری شامل کوزه خاکستری سیاه‌رنگ در تدفین شماره ۱۰ با شباهت قابل توجهی به ظروف آشپزخانه‌ای نیز در پایین پای تدفین جای داشت. فرم هر سه ظرف به دلیل آسیب زیاد به درستی مشخص نبوده و تنها از نوع ظروف دهانه گشاد (نوعی از کوزه یا دیگچه) می‌باشند.

## ۲. ظروف فلزی

تنها یک نمونه ظرف فلزی و آنهم از جنس مفرغ در گورستان شهنه پشته به دست آمده است. این ظرف شامل قطعات خردشده و غیرقابل وصالی یک ظرف مفرغی بوده که در کنار پاهای تدفین شماره ۲۳ این گورستان متعلق به یک مرد بالغ یافت شده و اظهارنظری در مورد فرم احتمالی آن نمی‌توان داشت.

## ۳. اشیاء زینتی و زیورآلات

گروه دوم از مجموعه گورآوندهای یافت‌شده در گورستان شهنه پشته مربوط به زیورآلات می‌باشد که خود در چند زیرگروه قابل دسته‌بندی است. این زیورآلات به طور کلی شامل زیرگروه‌های مهره‌ها، دستبندها، سنجاق‌ها (و سوزن‌ها)، گوشواره‌ها و حلقه‌ها می‌باشد که هر کدام دارای ویژگی‌های ریخت‌شناختی و کاربردی مخصوص به خود است. بطور کلی زیورآلات و عناصر تزئینی در هر محوطه‌ای -چه گورستانی و چه استقرار- به طور قابل ملاحظه‌ای نشان‌دهنده موقعیت اجتماعی و اقتصادی افراد در جامعه خود و همچنین برهمکنش‌های تجاری آن محوطه با مناطق مختلف است و در عین حال می‌تواند در مورد زیورآلات با جایگاه سنی و جنسیتی گورخفتگان نیز اطلاعات ارزشمندی در اختیار قرار دهد. در گورستان شهنه پشته نیز با حجم زیادی از زیورآلات روبرو هستیم، با این حال از لحاظ کیفیت و کمیت اشیاء زرین و نقره‌ای و حتی زیورآلات پرزینیات از جایگاه ممتازی نسبت به محوطه‌های مهمی مانند مارلیک، حسنلو، سیلک برخوردار نمی‌باشد.

### ۱-۳. مهره‌ها

مهره‌ها به عنوان یکی از کهن‌ترین عناصر تزئینی مورد استفاده بشر، در بین اشیاء تدفینی محوطه‌های عصر آهنی و همچنین گورستان شهنه پشته نیز جایگاه ویژه‌ای دارند. مجموعه مهره‌های یافت‌شده در گورهای این محوطه در جنس‌ها و اندازه‌های مختلف بوده که معمولا به صورت چندتایی به عنوان گردنبند، پابند و احتمالا گوشواره مورد استفاده بوده‌اند. جنس آنها شامل خمیرشیشه، سنگ (و عقیق قرمز)، مفرغ و صدف می‌باشد که گاهی به صورت ترکیبی در کنار یکدیگر قرار گرفته‌اند و در این میان، مهره‌های خمیرشیشه‌ای از فراوانی بسیار بیشتری برخوردارند (شکل ۷: گروه اول). مهره‌های خمیرشیشه‌ای یا اصطلاحا فریت شامل نمونه‌هایی در فرم‌های مدور، نیمه مدور، مخروطی، احتمالا حیوانی و صدفی شکل هستند که اکثرا سیاه و سفید رنگ بوده و تنها دو نمونه آنها به رنگ زرد مایل به کرم می‌باشند. مهره‌های خمیرشیشه از محوطه‌های متعدد عصر آهنی ایران همچون مارلیک (Negahban, 1996: Pl. 71, 80: 341)، گورستان خانقاه گیلوان (رضالو و ایرملو، ۱۳۹۶: ۴۷، ج. ۱)، دینخواه‌تپه (Muscaerella, 1974: 67) و گورستان ب سیلک (Girshman, 1939: Pl. XXVII: 1, 11) به دست آمده‌اند که نشان‌دهنده کاربرد زیاد آن به عنوان یک عنصر تزئینی در کنار مهره‌های فلزی است. گونه دوم مهره‌ها، نمونه‌های سنگی هستند که خود به دو نوع سنگ عقیق و سنگ‌های معمولی تقسیم می‌شوند. مهره‌های سنگ عقیق از دو تدفین و شامل مجموعا ۶ عدد مهره با فرم بیضی شکل می‌باشند (شکل ۷: گروه دوم). نمونه‌های مشابهی از آنها در محوطه‌هایی مانند مارلیک (Negahban, 1996: Pl. 61-67)، قره‌تپه سگزآباد (ده‌پهلوان و دیگران، ۱۳۹۸: ۳۹۰، ت. ۱۸)، گورستان ب سیلک (Girshman, 1939: Pl. XXVII: 1)، جیران‌تپه ازبکی (مجیدزاده،

۱۳۸۹ الف: ۵۲۸، ت. ۳۰۸) و دینخواه (Muscaerella, 1974: 67) یافت شده است. علاوه بر عقیق قرمز، از سنگ‌های دیگر با ارزش کمتری نیز به عنوان مهره‌های تزئینی استفاده شده که شامل ۱۳ مهره سنگی با شکل‌ها و اندازه‌های مختلف و سفیدرنگ می‌باشند. از نمونه‌های مشابه آن می‌توان به مهره‌های گورستان مارلیک (Negahban, 1996: Pl. 277: 260, 69: 277)، گورستان باباجیلان (Hasanpour et al., 2015: 184) و قره‌تپه سگزآباد (ده‌پهلوان و دیگران، ۱۳۹۸: ۳۹۰، ت. ۱۸) اشاره نمود. اما مورد منحصربفردی از مهره‌های شهنه پشته به عنوان گروه سوم، وجود مهره‌های مفرغی است که جزو معدود زیورآلات فلزی این گورستان محسوب می‌شود و شامل ۵ مهره مفرغی استوانه‌ای در تدفین ثروتمند شماره ۳۱ است. این ۵ مهره در کنار یکدیگر در کنار مچ پای چپ اسکلت قرار داشتند و احتمالاً به عنوان تزئین پا یا پابند مورد استفاده بوده‌اند و از لحاظ اندازه شامل بلند و کوتاه می‌شوند (شکل ۷: گروه سوم). از اینگونه مهره‌های فلزی استوانه‌ای تاکنون نمونه‌هایی در گورستان مارلیک (Negahban, 1996: Pl. 76-77)، تپه حسنلو (Cifarelli, 2018: 54, Fig. 5)، گورستان باباجیلان (Hasanpour et al., 2015: 184)، گورستان خانقاه گیلوان (رضالو و ایرملو، ۱۳۹۶: ۴۷، ج. ۱) و قره‌تپه سگزآباد (ده‌پهلوان و دیگران، ۱۳۹۸: ۳۹۰، ت. ۱۸) متعلق به آهن I تا III یافت شده است. در نهایت، مهره‌های از جنس صدف نیز به احتمال بخشی از عناصر تزئینی مور استفاده در این گورستان هستند که در تدفین ۳۸ به صورت دو قطعه کنار مجسمه یافت شدند، با این حال کاربری دقیق آنها به عنوان عنصر تزئینی و شیء تدفینی با تردیدهایی روبرو است. با این وجود، نمونه‌های مشابه آن از جمله در گورستان سومبار I (Khlopin, 1983: 170, Pl. XI: 5)، گورستان مارلیک (Negahban, 1996: Pl. 74: 308, 75)، باباجیلان (Hasanpour et al., 2015: 184)، تپه قلعه‌کش قائمشهر (سیلاخوری، ۱۳۹۳: ۱۵۹) و تپه قلعه‌کش آمل (امیرکلائی، ۱۳۹۱: ۹) مویذ کاربرد صدف به عنوان زیورآلات به ویژه در آهن II و III است.



شکل ۷: تعدادی از مهره‌های تزئینی خمیرشیشه، سنگی و مفرغی در گورستان شهنه پشته (نگارندگان، ۱۴۰۴)

Fig 7: A number of decorative glass, stone, and bronze beads from Shahneh Poshte cemetery (Authors, 2025)

### ۲-۳. سنجاق‌ها و سوزن‌ها

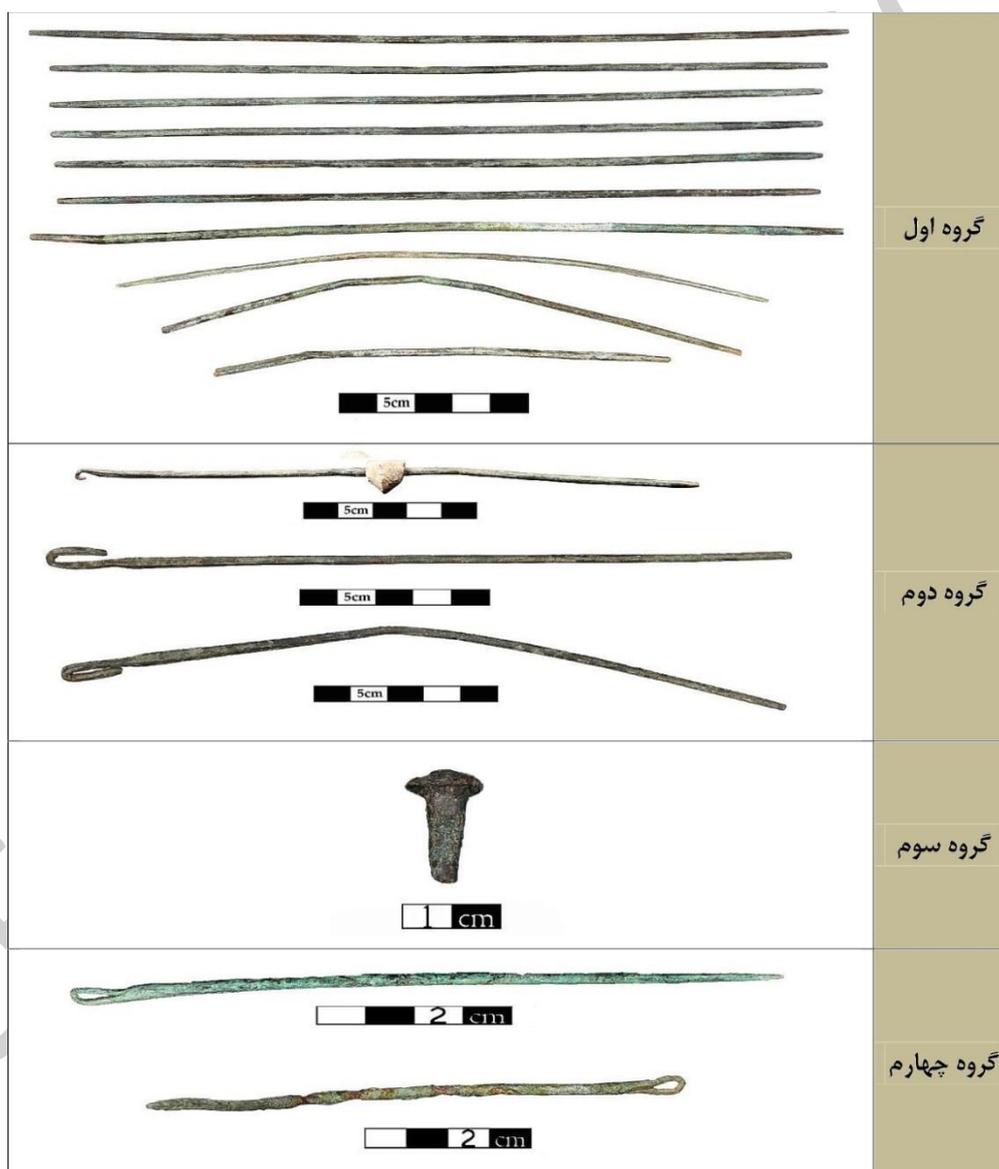
یکی از مهم‌ترین عناصر تزئینی مورد استفاده مردمان جامعه شهنه پشته، گروه سنجاق‌ها<sup>۲</sup> و سوزن‌های<sup>۳</sup> مفرغی هستند که به دلیل شباهت‌های ریخت‌شناختی و حتی کارکردی گاهی در یک گروه طبقه‌بندی می‌شوند و در برخی محوطه‌ها به جای یکدیگر استفاده شده‌اند (شکل ۸). سنجاق‌های شهنه پشته شامل سه نوع فرم می‌شوند که در تعداد بالا به صورت شکسته و کامل به دست آمده‌اند و البته می‌توان گروه چهارمی را به عنوان سوزن/سنجاق نیز یاد کرد: گروه نخست به صورت میله‌های مفتولی ساده است که برخی از آنها دارای دو انتهای نسبتاً تیز هستند اما به طوری کلی آنها بسیار ساده و با ضخامتی متوسط تا نازک بوده و بیشترین گروه سنجاق‌ها را نیز همین گروه نخست تشکیل می‌دهند (شکل ۸: گروه اول). اکثر سنجاق‌های عصر آهن ایران دارای نوعی از تزئین و غیر ساده بوده اما در بین مردمان شهنه پشته این فرم ساده مفتولی رایج‌ترین فرم است و حتی در محوطه‌های اندکی نمونه‌های مشابه آن یافت شده است. از سنجاق‌های مشابه با آن می‌توان به نمونه‌های بسیار زیاد اواخر دوره مفرغ جدید/مراحل اولیه آهن I در گورستان سومبار I ترکمنستان (Khlopin, 1983: 177, Pl. XVIII: 1-8, 170, Pl. XI: 8-9)، گورستان زردخانه اهر (Kazempour et al., 2017: 30, Fig. 27: 2-4) و گورستان مارلیک (Negahban, 1996: Pl. 138: 969, 970)، گورستان آهن I

<sup>2</sup> Pin

<sup>3</sup> Needle

قلعه کوتی I (Fukai and Ikeda, 1971: Pl. XXXIII: v) و همچنین محوطه‌های عصر آهن II و III گورستان ب سیلک (Girshman, 1939: Pl L: S542)، سرخ‌دم لری (Schmidt, 1989: Pl. 158: n) و هفت‌توان تپه (Burney, 1972: Pl. Vb) اشاره نمود. حداکثر طول این فرم از سنجاق‌ها ۱۹ سانتی‌متر و معمولا دارای ضخامت ۰/۲ سانتی‌متری هستند. حداکثر طول این فرم از سنجاق‌ها ۱۹ سانتی‌متر و معمولا دارای ضخامت ۰/۲ سانتی‌متری هستند. گروه دوم به صورت میله‌های مفتولی (مانند گروه اول) با یک انتهای برگشته به داخل هستند که کاملا گرد و منظم بسته نمی‌شود و تنها نوعی خمیدگی در انتهای میله دارد (شکل ۸: گروه دوم). شایان ذکر است در میان سنجاق‌های گروه دوم، نمونه بسیار منحصر‌بفردی وجود دارد که درون یک مهره دومی‌مخروطی سفیدرنگ دومی‌مخروطی فرو رفته که دقیقا این مهره به عنوان تزیین این سنجاق به شمار می‌رود. ابعاد این سنجاق‌ها شامل طول ۱۹.۳ و قطر ۳ سانتی‌متر می‌شود. از موارد مشابه و بسیار معدود با این شیء می‌توان به نمونه‌های گورستان اواخر مفرغ جدید سومبار I ترکمنستان (Khlopin, 1983: 177, Pl. XVIII: 9) اشاره نمود که چند سنجاق با این تزیین خاص از تدفین‌های آن به دست آمده است. شایان ذکر است که نمونه مشابه و منحصر‌بفرد دیگری از اینگونه اشیاء اما با تاریخ بسیار قدیمی‌تری متعلق به تدفین یک زن از دوره حصار IIB به دست آمده (Schmidt, 1937: Pl. XXIX: H2171) که اریخ اشمیت با اشاره به وجود دو شیء شبیه سردوک به میله آن، از آن با عنوان «دوک نخ‌ریسی» یاد می‌کند (Ibid: 120) و در نتیجه پرسش مهمی که پیش می‌آید این است که آیا بایستی نمونه شهنه پشته را نیز نوعی از میله سردوک به شمار آوریم یا خیر. گروه سوم شامل تنها یک شیء دارای بدنه مخروطی با یک انتهای شکسته و یک انتهای پهن و محدب شبیه قسمت انتهایی یک سنجاق یا دکمه یا حتی میخ است (شکل ۸: گروه سوم). با این حال اگرچه متعلق به تدفین یک مرد بالغ است، به احتمال بسیار زیاد این شیء نوعی از سنجاق می‌باشد. تنها نمونه یافت‌شده در گورستان شهنه پشته از تدفین ۲۳ است که دارای ابعادی به طول ۲ سانتی‌متر و ضخامت ۱/۵ سانتی‌متر است. از نمونه‌های مشابه با این فرم سنجاق می‌توان به گورستان الف سیلک (Girshman, 1939: Pl XLIV: S606c)، کلورز (حاکمی، ۱۳۹۶: ۱۸۳، ط. ۱۸)، گورستان مارلیک (Negahban, 1996: Pl. 94: 463) و گورستان خاتون‌بان (Haerinc et al., 2004a: 156. Pl. 16: kh.B7-9) و همچنین نمونه‌های دکمه می‌توان به دکمه‌های گورستان مارلیک (Negahban, 1996: Pl. 92: 439) اشاره کرد. در نهایت گروه چهارم که به عنوان سوزن می‌توان از آنها نام برد (شکل ۸: گروه چهارم) دارای یک بدنه مفتولی ساده، یک انتهای نسبتا نوک‌تیز و یک انتهای سوراخ‌دار است که به نظر می‌رسد احتمالا محل گذر نخ یا ریسمان بوده است. این شیء گاهی در برخی محوطه‌ها تحت عنوان سنجاق نامیده می‌شود و ممکن تا حدودی درست نیز باشد، اما در اینجا ما ترجیح می‌دهیم تنها به دلیل نوک تیز نمونه‌های شهنه پشته آنها را سوزن بنامیم. از اینگونه اشیاء تنها دو عدد در گورستان شهنه پشته یافت شده که از لحاظ اندازه دارای حداکثر و حداقل درازای به ترتیب ۱۰ و ۷/۱ سانتی‌متر و ضخامت حداکثر ۲ و حداقل ۱ میلی‌متر هستند. تاکنون موارد مشابه اینگونه از سنجاق / سوزن‌ها از تعداد زیادی از محوطه‌های دوره مفرغ نیز به دست آمده که با همین فرم تقریبا بدون تغییر تا دوره آهن و دوره‌های پسین‌تر ادامه پیدا می‌کنند و در نتیجه اشیاء مناسبی جهت تاریخ‌گذاری نسبی و مقایسه‌ای بر اساس مطالعات ریخت‌شناختی نمی‌باشند. تنها

تفاوت موجود، عدم نوک تیز آنها است زیرا برخی سنجاق‌های با انتهای سوراخ‌دار، دارای یک انتهای با نوک تیز نمی‌باشند. از نمونه‌های مشابه با گورستان شهینه پشته می‌توان به سوزن‌های دوره مفرغی شاه تپه گرگان (Arne, 1945: 298. 644a) و تپه حصار (Schmidt, 1937: Pl. LIII. H3141) و همچنین نمونه‌های عصر آهنی گورستان مارلیک (Girshman, 1939: Pl XLIII: S534c)، گورستان الف سیلک (Negahban, 1996: Pl. 138: 969, 970)، گورستان ب سیلک (Ibid: Pl XXIX: 2)، کلورز (حاکمی، ۱۳۹۶: ۱۸۳، ط. ۱۸)، گورستان خاتون‌بان (Haerinck et al., 2004a: 159. Pl. 19: kh.B-4) و گورستان گیلوان خلخال (Rezalou and Ayremlou, 2016: 62. Fig. 26:) اشاره نمود. (13)



شکل ۸: تعدادی از سنجاق‌ها و سوزن‌های یافت‌شده از گورستان شهینه پشته (نگارندگان، ۱۴۰۴)

Fig 8: A number of pins and needles from Shahneh Pushte cemetery (Authors, 2025)

### ۳-۳. دستبند

در گورستان شهنه پشته تنها یک نمونه دستبند تدفینی یافت شده که از جنس مفرغ بوده و بر روی مچ دست چپ تدفین ۳۰ قرار داشت (شکل ۹). این دستبند دارای بدنه بیضی شکل و مفتولی با انتهای باز است و ابعاد آن به صورت قطر حداکثر و حداقل به ترتیب ۹.۴ و ۷.۲ سانتیمتر و ضخامت ۰.۴ سانتیمتر است. در واقع شکل آن از نوع دستبندهای ساده بوده و هیچ گونه نقش و تزییناتی بر روی بدنه خود ندارد. اینگونه از دستبندها به دلیل شکل ابتدایی و ساده خود دارای نمونه‌های مشابه فراوانی در دوره‌های مختلف تاریخی در سرتاسر ایران هستند و از آن نمی‌توان به عنوان شیئی جهت تاریخ‌گذاری نسبی استفاده برد. اما در جایگاه ریخت‌شناسی دستبندهای دوره آهن بطور کلی می‌توان آن را با نمونه‌های مارلیک (Negahban, 1996: Pl. 81: 348, 82: 355)، گورستان ب سیلک (Girshman, 1939: Pl. XXVIII: 13)، دینخواه‌تپه (Muscaerella, 1974: 41, Fig. 6: 1014; 45, Fig. 11: 1038)، گورستان الف سیلک (Girshman, 1939: Pl. XLII: S502)، گورستان باباجیلان (Hasanpour et al., 2015: 212, Pl. 21) و گورستان آهن III لفورک (عابدینی عراقی، ۱۳۹۶: ۲۴۷، ش. ۶-۱۶) مقایسه نمود.

### ۳-۴. گوشواره‌ها

در بین مجموعه اشیاء تدفینی این محوطه، تنها دو گوشواره نقره‌ای یافت شده که از لحاظ فرم تقریباً مشابه و به صورت مارپیچی و چند وجهی هستند (شکل ۹). این دو گوشواره دارای قطرهای ۲ و ۱/۲ سانتی‌متر بوده و تاکنون نمونه‌های اندکی در بین محوطه‌های عصر آهنی ایران (آهن II و III) یافت شده شامل گوشواره‌ها و یا حلقه‌های عصر آهنی از گورستان ب سیلک (Girshman, 1939: Pl. XCIV: 1715c)، نوشی‌جان (Stronach, 1969: 17, Pl. IX. b-c)، مارلیک (Negahban, 1996: Pl. 86: 387)، کلورز (حاکمی، ۱۳۹۶: ۸۷، ت. ۳۳، ۶۴، ۸۸، ت. ۷۰، ۸۹، ت. ۷۷ و ۷۹)، و گورستان گیلوان خلخال (Rezalou and Ayremlou, 2016: 58, fig. 20: 17).

### ۳-۵. حلقه

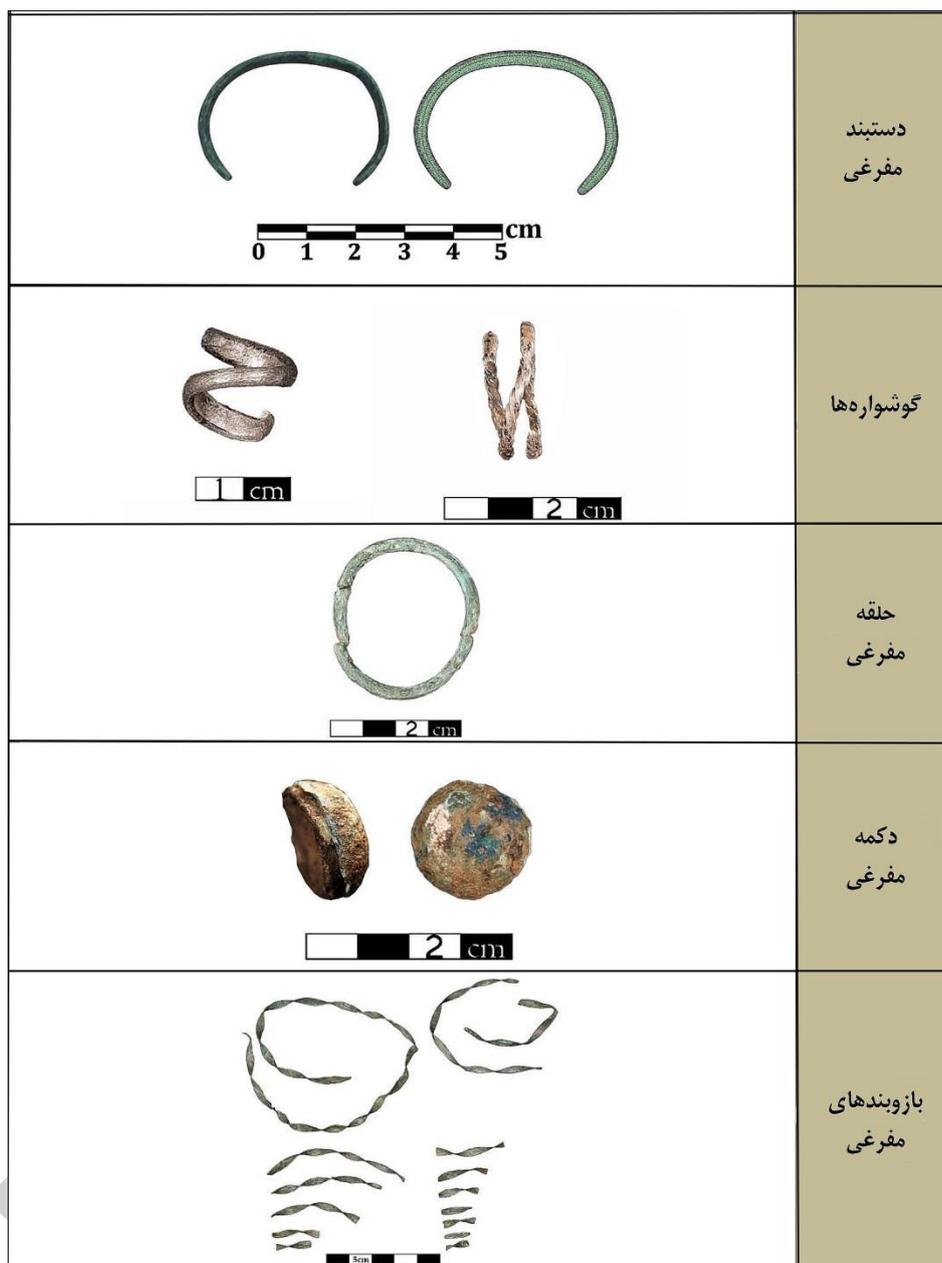
از گورستان شهنه پشته، تنها یک عدد حلقه مفرغی یا انگشتر تزیینی به دست آمده که شامل انگشتری در تدفین ۲۷ متعلق به یک کودک می‌شود (شکل ۹). این حلقه بسیار ساده بوده، بطوری که دارای یک بدنه مفتولی نازک و بیضی-شکل است و ابعاد آن شامل ضخامت کمتر از ۳ میلیمتر و قطر ۲/۳ سانتی‌متر می‌باشد. این انگشتر و حلقه به دلیل فرم بسیار ساده خود، از اهمیت گاهشناختی بالایی برخوردار نیست و قابل مقایسه با حلقه‌های ساده بدون تزیین در دوره‌های مفرغ و آهن و حتی دوره‌های پسین‌تر است. از برخی نمونه‌های مشابه عصر آهنی آن می‌توان به حلقه‌های گورستان مارلیک (Negahban, 1996: Pl. 138: 969, 970)، گورستان الف سیلک (Girshman, 1939: Pl. XLI: S500; Pl. XL: S465a)، گورستان ب سیلک (Ibid: Pl. LIX: S645)، دینخواه‌تپه (Muscaerella, 1974: 41, Fig. 6: 1014)، گورستان زردخانه (Kazempour et al., 2017: 30, Fig. 27: 8-10) و گورستان گیلوان خلخال (Rezalou and Ayremlou, 2016: 62, Fig. 26: 13) اشاره کرد.

### ۳-۶. دکمه

یکی از اشیاء خاص و منحصر بفرد این محوطه مربوط به یک کودک در تدفین شماره ۲۷، یک شیء مدور مفرغی است که فرمی مشابه دکمه دارد و احتمالاً بتوان آن را جزو اشیاء تزئینی لباس و دکمه به حساب آورد (شکل ۹). با آنکه تنها یک عدد از اینگونه اشیاء با این فرم از محوطه شهنه پشته به دست آمده، اما از لحاظ ریخت‌شناسی مشابه با برخی دکمه‌های تزئینی یافت‌شده در محوطه‌های عصر آهن ایران است. این شیء دارای طول ۱۰ و عرض ۴ میلی‌متر بوده که قسمتی از بدنه آن شکسته شده است. از آنجایی که این شیء تدفینی در کنار مهره‌های ستون فقرات و سینه اسکلت قرار داشته، ممکن است بخشی از تزئین لباس وی بوده باشد. از نمونه‌های تا حدودی مشابه (از جنس‌های فلزی، خمیرشیشه، سنگی و استخوانی) با این شیء اصطلاحاً دکمه می‌توان به نمونه‌های آهن I و II گورستان مارلیک (Negahban, 1996: Pl. 92: 439)، دینخواه (Muscaerella, 1974: 42, Fig. 7: 616; 44)، گوهرتپه (Piller and Mahfrouzi, 2009: 15, Fig. 20)، گورستان‌های آهن III لفورک (عابدینی‌عراقی، ۱۳۹۶: ۱۵۲) و باباجیلان (Hasanpour et al., 2015: 198, Pl. 7) اشاره نمود که شباهت فرمی آنها بر اساس شکل مدور و خاص آن است.

### ۷-۳. بازوبند

از دیگر زیورآلات بسیار ارزشمند گورستان شهنه پشته، بازوبندهای مفرغی است که روی بازوهای تدفین شماره ۳۱ جای داده شده بود (شکل ۹). این بازوبندها دارای بدنه ورقه‌ای نازک و بسیار پیچ‌داری بوده و به صورت شکسته و کامل یافت شدند. با توجه به ابعاد آنها، می‌توان حدس زد که حداقل ۳ بازوبند وجود دارد که دو عدد از آنها به دلیل آسیب‌های وارده، شکسته و خرد شده‌اند. این بازوبند هیچ نمونه مشابه دیگری در محوطه شهنه پشته نداشته و از این لحاظ تدفین موردنظر را بسیار با اهمیت و ارزشمند نشان می‌دهد و حتی در میان محوطه‌های عصر آهن ایران نیز بسیار شاخص و ویژه می‌باشد. بازوبندها به عنوان عناصر تزئینی در کنار پیشانی‌بندها و دستبندها، از دوره مفرغ رایج بوده اما در دوره آهن رواج بیشتری می‌یابد که نمونه‌های مشابه آن به صورت مفتولی و ورقه‌های در قالب بازوبند و دستبند به ویژه از گورستان‌های عصر آهنی شامل پیشانی‌بندها و تزئینات مو در گورستان مارلیک (Negahban, 1996: Pl. 88: 397-407) و گورستان ب سیلک (Girshman, 1939: Pl. XCIV: S1853) یافت شده است.



شکل ۹: زیورآلات تدفینی گورستان شهنه پشته شامل دستبند، گوشواره‌ها، حلقه، دکمه و بازوبندهای مفروغی (نگارندگان، ۱۴۰۴)

Fig 9: Bronze ornaments including bracelet, earrings, ring, button and armband (Authors, 2025)

#### ۴. جنگ افزارها

##### ۴-۱. خنجرها

کاوش در گورهای محوطه شهنه پشته منجر به یافت شدن ۵ خنجر مفروغی گردید که بطور جالب توجهی هم در گور مردها و هم گور زن‌ها وجود داشت (شکل ۱۰). فرم و ریخت کلی تمام خنجرها مشابه یکدیگر بوده، به شکلی که همگی دارای یک بدنه و تیغه مثلثی دراز هستند و تنها در پهنا و عرض بخش ابتدایی تیغه با یکدیگر تفاوت دارند. به بیان دقیق‌تر، ۳

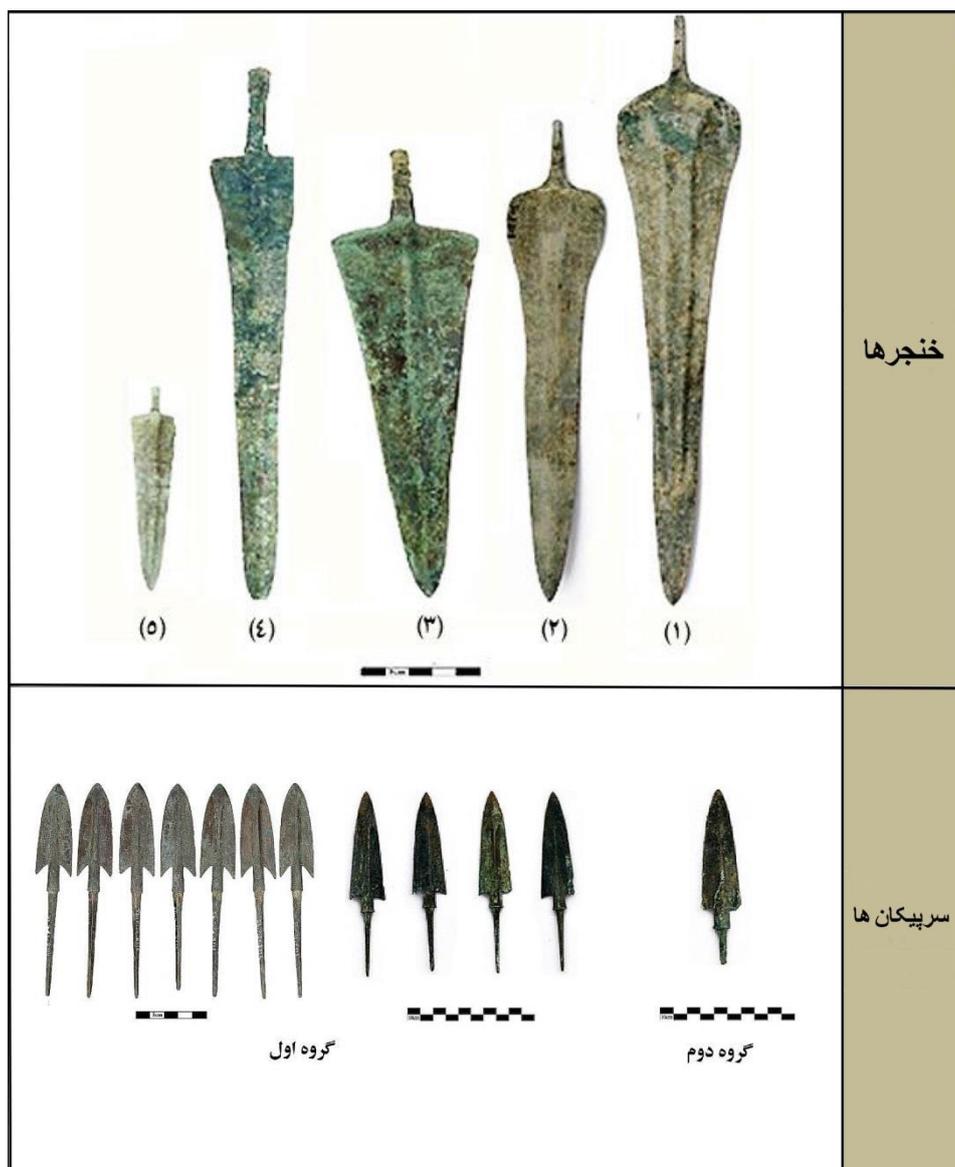
خنجر شماره ۱، ۲ و ۳ دارای بدنه پهن تری به ویژه در قسمت ابتدایی تیغه هستند و در نهایت به صورت مثلث وار به یک نوک تیز ختم می‌شوند. در این بین، دو خنجر دارای تیغه کاملاً مثلثی تری هستند و دو مورد دیگر در قسمت ابتدایی تیغه، گردتر و انحنادار هستند. همچنین خنجرهای شماره ۴ و ۵ دارای پهنای کمتری بوده و غیر از بخش ابتدایی تیغه که فقط کمی پهن است اما بیشتر تیغه آن نسبتاً صاف و بدون زاویه است. همگی این ۵ خنجر دارای یک زبانه انتهایی کوتاه به عنوان محل دسته هستند که این محل با موادی احتمالاً از جنس مواد ارگانیک مانند کناف و چوب پوشانده می‌شده است. این موضوع را می‌توان از عدم وجود محل پرچ یک دسته الحاقی به بدنه نیز مشاهده کرد و بدین ترتیب دسته‌های این خنجرها همگی به صورت ساده استفاده می‌شدند. به علاوه، همگی این خنجرها دارای یک برجستگی نواری بر روی درازای تیغه هستند که از ابتدا تا انتهای نوک تیز تیغه کشیده شده و در این میان تنها یک خنجر دارای دو برجستگی و نوار موازی روی بدنه خود است که از این حیث آن را متمایز می‌نماید. از لحاظ ابعاد، این خنجرها دارای درازای حداکثر ۴۵ و حداقل ۱۷،۳ سانتی‌متر و پهنای حداکثر ۷ و حداقل ۱ سانتی‌متر با ضخامت ۱ سانتی‌متر هستند. بطور کلی خنجرهای گورستان شهینه پشته از نوع خنجرهای ساده عصر آهن بوده که متفاوت از خنجرهای شاخص و معروف دسته هلالی این دوره می‌باشند. اینگونه از خنجرهای شهینه پشته از لحاظ ریخت‌شناسی دارای نمونه‌های بسیار مشابهی از دوره مفرغ تا دوره آهن (از هزاره سوم تا اول پ.م) هستند که با تغییر فرمی بسیار اندکی در این گستره زمانی طولانی به حیات خویش ادامه دادند. در نهایت در مورد موقعیت قرارگیری خنجرها در گورها می‌توان گفت که یک خنجر در کنار دستان و بر روی قفسه سینه، دو خنجر شماره ۲ و ۴ در کنار و پایین پاها و همچنین دو خنجر دیگر کنار و روی شکم و لگن خاصره گذارده شده بودند و این وضعیت قرارگیری ارتباط خاصی نیز با جنسیت آنها ندارد، بطوری که خنجرها فارغ از جنسیت، در گور مردها و زنان و کودکان در محل‌های مختلفی جای گرفته‌اند. از نمونه‌های مشابه عصر آهنی می‌توان به نمونه‌های آهن I و II مانند گورستان مارلیک (Negahban, 1996: Pl. 121: 727, 728, 733, Pl. 124: 786, )، قلعه کوتی I (Fukai and Ikeda, 1971: Pl. XVIII) I، گورستان الف سیلک (Girshman, 1939: Pl. V: 1)، گورستان ب سیلک (Ibid: Pl. XXVI: 1, 5, 6)، گوهرتپه (قاسمی گرجی، ۱۳۹۶: ۹۲، ش. ۴-۲۱: ۸)، تپه قلعه‌کش آمل (امیرکلایی، ۱۳۹۱: ۱۴۳)، آق تپه (ملک شه‌میرزادی و نوکنده، ۱۳۷۹: ۱۹۲، ت. ۱)، کلورز (حاکمی، ۱۳۹۶: ۱۵۹، ت. ۲۷۳، ۱۷۷، ط. ۱۲)، کورگان فخرآباد مشکین‌شهر (Abdollahi et al., 2024: 12, Fig. 6) و گورستان آهن III لفورک (عابدینی عراقی، ۱۳۹۶: ۲۴۳، ش. ۶-۸، ۲۴۴، ش. ۶-۱۰) اشاره نمود.

#### ۲-۴. سرنیزه‌ها

از گورستان شهینه پشته تنها ۱ نمونه سرنیزه گزارش شده که متعلق به تدفین یک زن بزرگسال است. این سرنیزه مفرغی که بسیار آسیب‌دیده و مضطرب بوده، دارای طول ۲۰ و عرض ۳ سانتی‌متر است. بر پایه گورهای کاوش‌شده این گورستان به نظر می‌رسد با توجه به وجود تنها یک عدد سرنیزه، احتمالاً این گونه از جنگ‌افزارها نسبت به خنجرها و سرپیکان‌ها از اهمیت کمتری برخوردار بوده است.

#### ۳-۴. سرپیکان‌ها

بیشترین تعداد جنگ‌افزارهای گورستان شهنه پشته به گروه سرپیکان‌های مفرغی تعلق دارد که در مجموع ۲۱ عدد از ۵ تدفین به دست آمده است، با این وجود از لحاظ فرم، تنوع کمی داشته و به دوم فرم کلی قابل تقسیم‌بندی است. بطور کلی سرپیکان‌های این دو گروه بسیار شبیه یکدیگر بوده و تمایز موجود تنها در اندازه تیغه و زبانه آنها است. گروه نخست در بردارنده ۲۰ عدد از سرپیکان‌ها می‌شود که بر اساس ریخت‌شناختی، یک زبانه نسبتاً بلند با یک برآمدگی در قسمت اتصال به تیغه دارد و تیغه نیز به صورت یک بدنه مثلی با یک انتهای قلبی‌شکل و برجستگی نواری‌شکل در درازای بدنه است. از این بین، چهار سرپیکان دارای کمی تمایز با نمونه‌های دیگر است به طوری که زبانه کمی کوتا‌تر بوده و تیغه آنها نیز به صورت بدنه مثلی تیزتری نسبت به بدنه پهن‌تر دیگران است. به علاوه، گروه دوم شامل تنها یک نمونه سرپیکان است که زبانه آن کوتا‌تر از تیغه مثلی بلند آن است (برعکس زبانه گروه نخست)، به نحوی که زبانه آن مشابه گروه نخست دارای یک برآمدگی در قسمت اتصال به تیغه بوده و شکل تیغه نیز به صورت مثلث تیز و کشیده با یک برآمدگی در درازای آن است (شکل ۱۰). سرپیکان‌ها از لحاظ اندازه دارای حداکثر طول کلی ۱۴، عرض ۴ و طول زبانه ۷ سانتی‌متر هستند. زبانه بلند سرپیکان‌ها به جهت قرارگرفتن آن در دسته بلندتر چوبی و برآمدگی آن برای محکم‌شدن دسته می‌باشد. از نمونه‌های مشابه با آنها می‌توان به سرپیکان‌های گورستان مارلیک (Negahban, 1996: Pl. 126: 840, 841)، تندوین تالش (خلعتبری، ۱۳۸۳ ج: ۲۳۳، ل. ۱۳: ۱۱)، گورستان ب سیلک (Girshman, 1939: Pl. XCII: 12, 15, 21)، گورستان خوروین (Vanden Berghe, 1964: 246) و حسنلوی (IVB Thornton and Pigott, ) اشاره کرد. (2011: 144, fig. 6.5: HAS 74-437)



شکل ۱۰: جنگ افزارهای تدفینی شامل خنجرها و سریکانهای مفرغی گورستان شهنه پشته (نگارندگان، ۱۴۰۴)

Fig 10: Burial weapons including bronze daggers and arrowheads from Shahne Poshte cemetery (Authors, 2025)

## ۵. ابزارها

### ۵-۱. سردوکها

در میان گروه اشیاء موسوم به ابزار در گورستان شهنه پشته، چهار عدد سردوک به دست آمده که از نوع سردوکهای سفالی، استخوانی و سنگ آهکی می باشند و از لحاظ ریخت شناسی همچون اکثر سردوکهای تاریخی، دارای بدنه دو مخروطی و مدور - بیضوی هستند (شکل ۱۱). همچنین سردوکهای شهنه پشته فاقد هرگونه تزیینات بوده و به دلیل آنکه مجموعاً سردوکها از دوره نوسنگی به بعد دارای تغییر فرمی اندکی بوده اند، بنابراین نمونه های ساده شهنه پشته در مبحث گاهنگاری مقایسه ای از اهمیت پایینی برخوردارند. به علاوه این سردوکها دارای ابعاد بین ۳.۴ تا ۲.۴ سانتی متر

هستند. سردوک‌ها همچون دیگر ابزارهای مورد استفاده در کارهای روزمره، به نظر می‌رسد نه به عنوان یک شیء صرفاً تدفینی بلکه به عنوان یک وسیله شخصی فرد در گذشته در دوره حیات وی، پس از مرگ نیز در گور قرار داده شده و بنابراین سردوک‌ها از جمله اشیائی هستند که در بافت‌های استقراری و تدفینی بطور همزمان به وفور یافت می‌شوند.

## ۲-۵. سنگ‌ساب

یکی دیگر از ابزارهای بسیار پر کاربرد در بافت‌های استقراری که در تدفین‌های انسانی نیز معمولاً به دست می‌آیند، سنگ‌ساب‌ها هستند که در گورستان شهنه پشته نیز یک عدد از آنها یافت شده است (شکل ۱۱). سنگ‌ساب‌ها با توجه به سادگی ریخت‌شناسی و نوع کاربرد آنها، از دوره نوسنگی به این سوی، در فرم نسبتاً یکسانی ثابت مانده و بنابراین معمولاً در مطالعات تطبیقی و گاهنگاری مقایسه‌ای از اهمیت کمتری برخوردارند. سنگ‌ساب شهنه پشته دارای بدنه بیضی با بخش داخلی فرورفته‌ای است که دارای ۶ پایه ریز در بخش زیرین بدنه است. دقیقاً متصل به این سنگ‌ساب، شیء سنگی جالب توجه دیگری نیز یافت شده که بر کاربرد ابزاری جهت کوبش و ساییدن آن صحنه می‌گذارد. تاکنون از محوطه‌های عصر آهنی ایران، تعداد بسیار زیادی از سنگ‌ساب‌ها به دست آمده که در این میان سهم فضاهای تدفینی بسیار کمتر از فضاهای استقراری است. از نمونه‌های استقراری آن در منطقه مازندران می‌توان به نمونه تپه قلعه کش آمل (امیرکلایی، ۱۳۹۱: ۱۰) و گورستان لفورک (عابدینی‌عراقی، ۱۳۹۶: ۱۵۲) اشاره نمود.

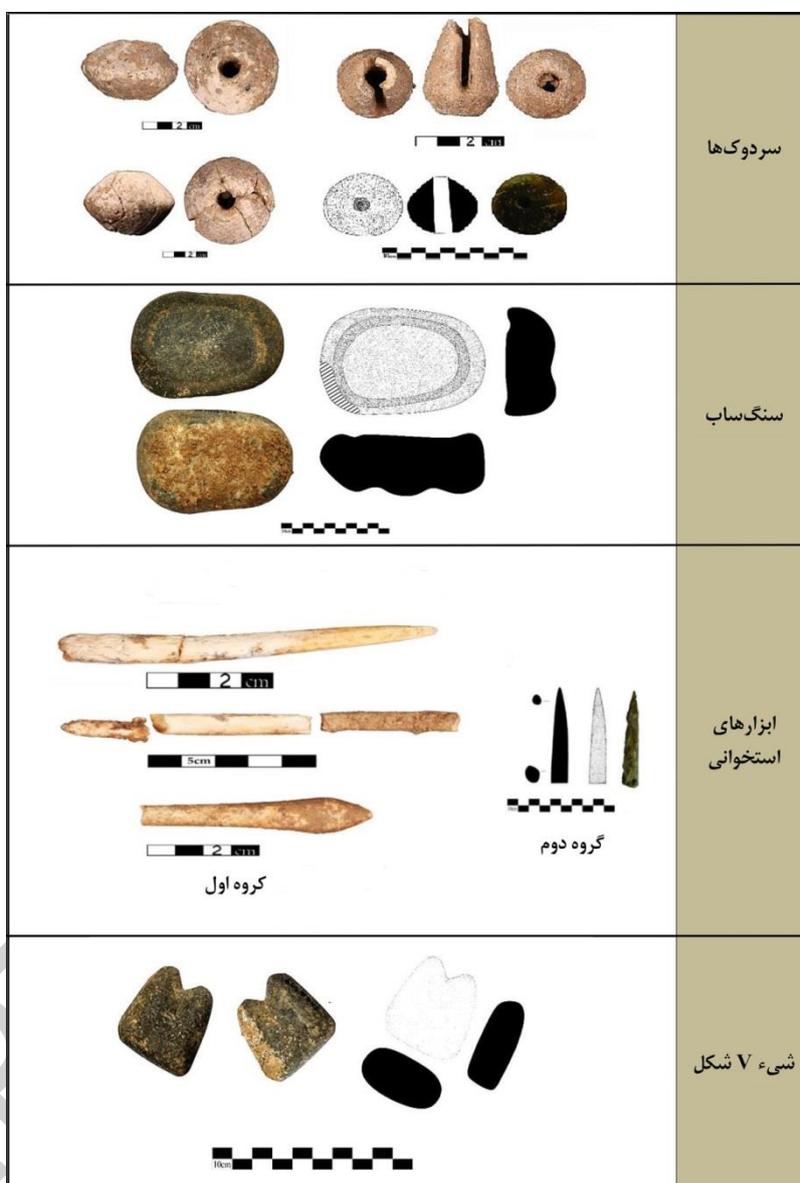
## ۳-۵. درفش‌ها و چاقوها

در میان ابزارها و اشیاء تدفینی موجود در گورهای گورستان شهنه پشته، چندین ابزار نوک‌تیز مانند چاقو و درفش جهت سوراخ کردن و شکاف‌دادن یافت شده که در این بین، ابزارهای استخوانی نقش مهمی داشته و این را می‌توان از تعداد آنها در گورها دریافت، بطوری که ۶ عدد از ابزارهای استخوانی به ویژه درفش‌ها تاکنون به دست آمده است (شکل ۱۱). بر اساس ریخت‌شناسی، این شش ابزار خود به دو گروه تقسیم می‌شوند، گروه اول شامل ۵ نمونه ابزار که با توجه به فرم مفتولی آنها بطور دقیق‌تر می‌توان به عنوان یک درفش و سوراخ‌کننده در نظر گرفت. اما تک شیء گروه دوم را می‌توان کمی از بقیه جدا نمود، زیرا این شیء دارای یک بدنه مثلثی نوک‌تیز همچون چاقو دارد که از گروه نخست متمایز می‌شود. از لحاظ ابعاد و اندازه، چاقوی ۲۰۳۸ دارای طول ۱۱ و ضخامت کمتر از ۲ سانتی‌متر و درفش‌ها دارای درازای حداکثر ۷ و ضخامت حداکثر ۰.۷ سانتی‌متر هستند. شایان ذکر است در یکی از تدفین‌های این محوطه، قطعات فلزی یک شیء آهنی بسیار مضطرب به دست آمد که احتمالاً مربوط به یک ابزار جنگی یا شکار مانند خنجر بوده و به علت تخریب و خردشدگی بسیار بالا امکان برداشت آن ممکن نبوده است. در نتیجه نمی‌توان آن را با قطعیت در گروه دوم یعنی چاقوها جای داد و تنها با شک و تردید می‌توان به ابزاربودن آن نگریست.

## ۴-۵. شیء V شکل

در میان اشیاء موجود در تدفین‌های شهنه پشته، یک عدد شیء سنگی بسیار منحصربفرد در تدفین یک زن بزرگسال به دست آمده که کاربری آن به دلیل خاص بودن فرم و ریخت به درستی و دقیق مشخص نیست، اما با توجه به یافت شدن آن در کنار یک سنگ‌ساب گمان می‌رود نوعی ابزار کوبشی بوده باشد (شکل ۱۱). بدنه این شیء به صورت مکعب مربع

با دهانه و یک ضلع V شکل بوده که یک سطح آن دارای کمی فرورفتگی است. با توجه به جنس و فرم خاص و همچنین محل قرارگیری آن متصل به سنگ‌ساب به نظر می‌رسد در اینجا احتمالاً با نوعی مشته یا ابزار کوبشی و سابیدن دانه‌های گیاهی روبرو باشیم که کاملاً هماهنگ با دیگر ابزارهای موجود همراه با این تدفین انسانی است.



شکل ۱۱: ابزارهای گوناگون تدفینی شامل سردوک‌ها، سنگ‌ساب، ابزارهای استخوانی و شیء V شکل از گورستان شهانه پشته (نگارندگان، ۱۴۰۴)

Fig 11: Burial various tools including spindle whorl, mortar, bone awl and V-shaped object from Shahne Poshte cemetery (Authors, 2025)

## ۶. یافته‌های ویژه

در بین اشیاء گورستان شهانه پشته چندین یافته ویژه وجود دارد، از مهم‌ترین آنها می‌توان به بقایای قسمتی از فک حیوانی (بزسانان) زیر پای تدفین انسانی شماره ۲۰ اشاره نمود که از این لحاظ در میان دیگر تدفین‌های محوطه شهانه-

پشته بسیار مهم و متمایز می‌باشد و احتمالاً بخشی از یک قربانی تدفینی بوده است. با توجه به اینکه نمونه‌های مشابهی از قراردعی بخشی از بدن یک حیوان (معمولاً بز و گوسفند) به عنوان پیشکش در میان گورهای عصر آهن ایران مرسوم بوده، بنابراین این رسم تدفینی ویژه نیز قسمتی از آیین‌های این دوره فرهنگی در ایران است که تا دوره‌های تاریخی هخامنشی تا اوایل اشکانی (مرحله آهن IV) در منطقه جنوب دریای کاسپی و مازندران مشاهده شده است. نکته جالب- توجه، وجود چنین آیینی در محوطه‌های دوره مفرغ و آهن حوزه‌های شمالی و جنوبی البرز به ویژه منطقه مازندران شامل بقایای تدفینی سگ و بز در گوهرتپه (قاسمی‌گرچی، ۱۳۹۶: ۷۸، ۸۷-۸۹) و گورستان ایزگام رشت رامسر (خلعتبری، ۱۳۹۷: ۱۶۸) و حیواناتی مانند اسب یا گاو در گورستان‌های مهدی چوری دیلمان (جهانی، ۱۳۹۳: ۱۶۸، ۱۷۵) و گورستان تپه پردیس (فاضلی‌نشلی و آقالاری، ۱۳۹۳: ۱۵۶، ۱۶۰) است که پیشینه آن را بسیار به عقب باز می‌گرداند و نشان از ریشه‌داربودن آن در حوزه جنوب دریای کاسپی و البرز مرکزی است. از دیگر یافته‌های بسیار مهم این محوطه، وجود یک قطعه شیء آهنی روی اسکلت تدفین شماره ۴ است که تنها یافته آهنی متقن حاصل از کاوش‌های این گورستان می‌باشد. این شیء که در وضعیت بسیار بدی بوده و فرم مشخصی از آن باقی نمانده، احتمالاً مربوط به یک ابزار جنگی یا شکار مانند خنجر بوده است. این تک شیء آهنی اگرچه در مقابل تعداد فراوان تر اشیاء مفرغی بسیار کم تعداد به نظر می‌رسد، اما از لحاظ مطالعه روندهای عصر آهن منطقه و حضور اشیاء آهنی در میان تدفین‌ها و به ویژه تاریخ‌گذاری نسبی محوطه بسیار ارزشمند است، چرا که فرایند متالورژی فلز آهن اگرچه از حدود ۱۳۰۰ پ.م کم‌کم در میان فرهنگ‌های اواخر هزاره دوم پ.م آسیای غربی جای باز کرد، اما حضور جدی و معنادار آن از حدود ۱۰۰۰ پ.م و اوایل هزاره اول پ.م (آهن II) رقم خورد و بنابراین در کنار حضور سنتی اشیاء مفرغی، فلز آهن کم‌کم به فلز رایج جوامع این دوره در منطقه گسترده آسیای غربی (Bunimovitz and Lederman, 2012: 103) و ایران مانند محوطه کلیدی حسنلو (Pigott, 1989: 71-74) و حتی گورستان‌های لرستان (Pigott, 2004b: 6) تبدیل گشت. علاوه بر این شیء، در کنار تدفین‌های گروهی ۱۸ و ۱۹ مربوط به دوره هخامنشی- اشکانی، شواهد اندکی از یک قطعه فلزی به شکل ضایعات کوره به ابعاد ۱۵×۱۰ سانتی‌متر در کنار استخوان لگن یافت شد. وضعیت این قطعه فلزی شکننده بوده و قسمت‌هایی زیادی از آن در اثر هوازدگی، پوسته پوسته و بخش‌هایی جدا شده بود و به علت همین وضعیت بسیار بد، تشخیص نوع فلز آن نیز بسیار دشوار بوده است. در نتیجه، جدا از وفور اشیاء مفرغی و تنها دو گوشواره نقره‌ای اما شواهد وجود فلز آهن در این محوطه محدود به قطعه فلز ذکر شده در گور تدفین‌های گروهی ۴، ۵ و ۶ می‌باشد که خود نیز می‌تواند علت‌های مختلفی از جمله دسترسی اندک مردمان جامعه شهنه پشته به این فلز مهم و کم‌دسترس داشته باشد.

### موقعیت قرارگیری اشیاء

مطالعه نحوه چینش و قراردعی مجموعه اشیاء یافت‌شده از تدفین‌های محوطه شهنه پشته نشان می‌دهد که اکثر اشیاء با کاربری خاص خود، یک محل ثابت و مشخص نداشته، چنانچه ظروف سفالی، جنگ‌افزارها و زیورآلات در نقاط مختلف اطراف و روی بدن فرد گذشته جای داده شده بودند و از شیوه خاص و مشخصی که تبدیل به یک سنت تدفینی شده باشد، تبعیت نمی‌کردند. در این میان، دو نکته مهم شایان ذکر است، یکی آنکه کوزه‌ها - برخلاف دیگر ظروف سفالی که

در اطراف بالاتنه، کمر، صورت و پایین پاها قرار دارند - تنها در اطراف مجسمه و صورت و بالاتنه یافت می‌شوند و هیچ کوزه‌ای در قسمت پایین پاها و اطراف آن قرار نداشت. با این وجود بطور کلی شاید بتوان گفت که شیوه یکتا و خاص دقیق تدفینی در مورد ظروف سفالی وجود ندارد و تمام فضای گور جهت گذاردن آنها استفاده شده است. نکته مهم دوم، در مورد وضعیت خنجرها است که به طور معناداری در کنار و روی لگن و روی قفسه سینه جای داشتند و به نظر می‌رسد خنجرها در این محوطه یا به کمر متصل بوده یا در دستان فرد در گذشته روی قفسه سینه جای داشته است.

## بحث و تحلیل

یکی از متداول‌ترین روش‌ها جهت بازسازی ساختار اجتماعی جوامع گذشته، به کارگیری داده‌های حاصل از تدفین‌های باستانی و گونه‌شناسی آنها می‌باشد. در این روش، باستان‌شناسان معمولاً یک یا چند مشخصه تدفینی نظیر اشیاء داخل گورها، شکل و اندازه آرامگاه یا موقعیت گورستان را در نظر می‌گیرند و سپس بر اساس آن، طبقه یا جایگاه اجتماعی افراد به خاک سپرده‌شده را می‌سنجند. به کارگیری این مدارک در مطالعه ساختار اجتماعی جوامع باستانی، مشکلاتی نیز در پی دارد و آن مشکل این است که چه بسا مواد فرهنگی به دست آمده در گور مورد مطالعه و اطلاعات مربوط به ساختار اجتماعی و تحلیل نمادهای مرتبط با آن، به دلیل گذشت زمان دچار دگرگونی شده باشد. مشکل دیگر این است که چه بسا آنچه در یک گور باستانی رویت می‌کنیم، شکلی آرمانی از موقعیت اجتماعی است و با واقعیت تفاوت فراوان دارد (دارک، ۱۳۸۷: ۱۱-۱۱۲). باستان‌شناسان معمولاً با توجه به چهار نشانه به وجود ساختارها و طبقات اجتماعی در میان مردمان و فرهنگ‌های پیشین می‌رسند که یکی از آنها تشریفات تدفینی و کلیه داده‌های مربوط به آنها است (عسکری خانقاه و دیگران، ۱۳۸۷: ۲۲۵). همچنین ساختار معماری، اندازه و عمق گورها و به علاوه شیوه‌های تدفینی مانند نحوه و جهت قراردادن بدن متوفی نیز می‌توانند بازتابی از رسومات تدفینی باشند (Pearson, 1999: 5-6). در واقع به نظر می‌رسد قوانین کلی در مورد مطالعه تدفین‌ها و گورها با توجه به تمایزات فرهنگی دوره‌های مختلف وجود نداشته باشد و همچنان نیاز به وجود تئوری‌ها و رویکردهای همگانی احساس می‌گردد (Fahlander and Oestigaard, 2008: 1). بنابراین پژوهشگران معمولاً تمایل دارند تا مجموعه یک گور را به دو دسته کلی تقسیم کنند: از یک سو، بدن فرد در گذشته - به عنوان مرکز واقعی خود تدفین - و از سوی دیگر، تمام اشیای قابل شمارش که به ویژه برای شکل دادن به ایدئولوژی خاکسپاری تاثیرگذار بوده یا ایجاد شده‌اند. چنین دوگانگی بین بقایای انسانی و سایر اشیاء و متغیرهای یک تدفین و جداسازی بافت آنها، از نخستین روزهای مستندسازی باستان‌شناسی که این دو فاکتور برای اهداف ثبت و تفسیر از یکدیگر جدا می‌شدند، پایه‌گذاری شده بود (Miniaci, 2018: 1). بیشترین حجم اطلاعات ما از عصر آهن، مربوط به یافته‌های گورستان‌ها و زندگی مردگان است، نه یافته‌های فضای زندگی و استقرار، و به عبارتی، باستان‌شناسی عصر آهن تا حد زیادی به معنی مفاهیم باستان‌شناسی گورستان و مرگ و تدفین است و مطالعه باستان‌شناسی مرگ یا باستان‌شناسی تدفین یعنی خود باستان‌شناسی این دوره (Fahlander and Oestigaard, 2008: 1). اشیاء تدفینی در گورستان شهنه پشته نیز از جایگاه ویژه‌ای برخوردار هستند که از ۳۹ تدفین برج و قابل مطالعه به دست آمده است. این اشیاء در گروه‌های مختلف ظروف سفالی، زیورآلات فلزی و سنگی، جنگ‌افزارها و ابزارهای فلزی و استخوانی در بخش -

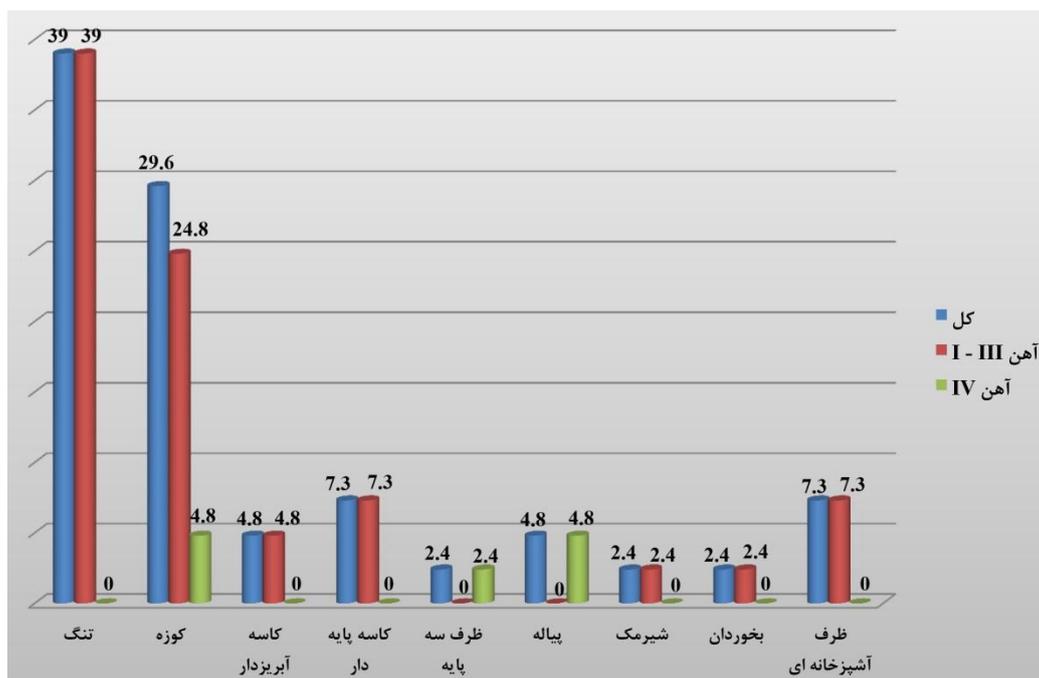
های مختلف گور در کنار سر و صورت، پایین پا، مقابل و پشت بدن گذاشته می‌شدند. ظروف سفالی شهنه پشته در طیف گسترده‌ای شامل کوزه‌ها، تنگ‌ها، کاسه‌های آبریزدار و پایه‌دار، پیاله‌ها، ظرف احتمالاً بخوردان/عودسوز در طیف رنگ-های خاکستری، قرمز، قهوه‌ای و قرمز مایل به نارنجی (آجری) می‌باشد که در مراحل مختلف عصر آهن از اواخر هزاره دوم تا نیمه دوم هزاره اول پ.م در گورهای این گورستان جای داده شده‌اند. پژوهش بر روی سفالینه‌های حاصل از کاوش تدفین‌ها و بررسی سطحی این محوطه حاکی از برتری فرم‌های مختلفی از ظروف قرمز مایل به نارنجی و خاکستری است و این گروه از سفالینه‌ها تاکنون از تعداد زیادی از محوطه‌های درون منطقه‌ای در مازندران و برون منطقه-ای شناسایی شده که در چهارچوب اواخر هزاره دوم و اوایل هزاره اول پ.م جای می‌گیرند و با وجود آنکه برخی از آنها از لحاظ ریخت‌شناسی با ظروف سفال شهنه پشته تفاوت دارند، اما همگی متعلق به یک افق زمانی و فرهنگی می‌باشند (روستایی و کوهی گیلوان، ۱۳۸۶: ۷۱؛ عابدینی عراقی، ۱۳۹۶: ۲۳۳). بر پایه اندک مطالعات پراکنده در حوزه عصر آهن مازندران، مجموعه سفالینه‌های گورستان شهنه پشته را می‌توان با محوطه‌های متعددی در حوزه رود تجن ساری (فلاح کیایی، ۱۳۹۵: ۳۷-۵۶). حوزه بابل (دهستانی کلاگر، ۱۳۹۱: ۸۶-۱۰۴)، همچنین در حوزه‌های چالوس و کلاردشت (حیدریان، ۱۳۹۰: ۱۱۸-۱۵۴) و محوطه‌های کاوش شده‌ای همچون قلعه‌کش آمل (امیرکلایی، ۱۳۸۸: ۲۵۱؛ امیرکلایی، ۱۳۹۱: ۱۴۱)، قلعه‌کش قائمشهر (عابدینی عراقی، ۱۳۹۶: ۱۵۸)، غار هوتو بهشهر (نقشینه، ۱۳۸۴: ۶۹؛ نقشینه و دیگران، ۱۳۹۲: ۷۰) و لفورک سوادکوه (عابدینی عراقی، ۱۳۹۶: ۱۵۶) منسوب به آهن I، II و III مقایسه نمود که حاکی از روابط گسترده فرهنگی در منطقه مازندران و جنوب دریای کاسپی می‌باشد و به صورت محوطه‌های استقرار و گورستانی نمود پیدا می‌کنند. بطور کلی، در مجموع از میان ۳۹ تدفین انسانی کاوش شده در این گورستان، ۴۱ قلم ظرف سفالی به صورت سالم و شکسته یافت شده که از چند منظر قابل مطالعه می‌باشند. از بین ۴۱ عدد ظرف موردنظر، تنگ-ها شامل ۱۶ قلم (۳۹٪)، کوزه‌ها ۱۲ قلم (۲۹.۶٪)، کاسه‌ها ۵ قلم (۱۲.۱٪) شامل دو زیرگروه آبریزدار ۲ قلم (۴.۸٪) و پایه‌دار ۳ قلم (۷.۳٪)، ظروف آشپزخانه‌ای شامل ۳ قلم (۷.۵٪)، پیاله‌ها ۲ قلم (۴.۸٪) و سه گروه ظرف سه پایه، شیرمک و بخوردان هر کدام شامل ۱ قلم (۲.۴٪) می‌باشند. از نگاهی دیگر، از بین ۴۱ ظرف سفالی این گورستان، ۳۶ عدد متعلق به گروه تدفین‌های آهن I - III شامل ۱۶ قلم تنگ (۴۴.۴٪ از دوره و ۳۹٪ از کل)، ۱۰ قلم کوزه (۲۷.۷٪ از دوره و ۲۴.۸٪ از کل)، ۵ قلم کاسه (۱۲.۱٪) شامل ۲ نمونه آبریزدار (۵.۵٪ از دوره و ۴.۸٪ از کل) و ۳ نمونه پایه‌دار (۸.۵٪ از دوره و ۷.۳٪ از کل)، ۱ قلم شیرمک (۲.۷٪ از دوره و ۲.۴٪ از کل)، ۱ قلم بخوردان/اصافی (۲.۷٪ از دوره و ۲.۴٪ از کل) و ۳ قلم ظرف آشپزخانه‌ای (۸.۵٪ از دوره و ۷.۳٪ از کل) بوده و همچنین ۵ قلم مربوط به تدفین‌های دوران هخامنشی تا اوایل اشکانی (آهن IV) می‌باشند که دربردارنده ۲ عدد کوزه (۴۰٪ از دوره و ۴.۸٪ از کل)، ۱ عدد ظرف سه پایه (۲۰٪ از دوره و ۲.۴٪ از کل) و ۲ عدد پیاله (۴۰٪ از دوره و ۴.۸٪ از کل) می‌شود. (جدول ۲، شکل ۱۲). به علاوه از حیث رنگ پوشش می‌توان به رنگ‌های خاکستری، قرمز، قرمز مایل به نارنجی، نارنجی و قهوه‌ای اشاره نمود که ظروف خاکستری و قرمز مایل به نارنجی هر دو مربوط به مرحله آهن I - III و هر کدام با ۱۱ قلم (۳۰.۵٪ از دوره و ۲۶.۸٪ از کل) دارای بیشترین فراوانی بوده و همچنین ظروف قرمز-قهوه‌ای مربوط به آهن IV (۲۰٪ از دوره و

۲.۴٪ از کل) و نیز ظروف قهوه‌ای - خاکستری و نارنجی - قهوه‌ای مربوط به آهن I - III (۲.۷٪ از دوره و ۲.۴٪ از کل) هر کدام با ۱ قلم، کمترین فراوانی را به خود اختصاص داده‌اند (جدول ۳، شکل ۱۳). در نهایت نقوش تزیینی و تزیینات بر روی ظروف سفالی این گورستان در سه روش ایجاد شده‌اند: گروه نخست با بیشترین فراوانی در قالب ۹ ظرف شامل نوارهای برجسته افقی بوده، گروه دوم به صورت نوار یا خط کُنده افقی در قالب ۱ ظرف و گروه سوم نیز شامل خطوط داغدار شطرنجی و هاشوری شامل ۱ ظرف می‌شوند که در تدفین‌های مراحل مختلف آهن I تا IV (هخامنشی تا اوایل اشکانی) استفاده شده‌اند (جدول ۴، شکل ۱۴).

جمع دوره‌ها		دوره						گونه ظرف	ردیف				
		آهن IV			آهن I - III								
		درصد		تعداد	درصد		تعداد						
در کل	در دوره	در کل	در دوره										
۳۹٪	۱۶	۰	۰	۰	۳۹٪	۴۴.۴٪	۱۶	تنگ	۱				
۲۹.۶٪	۱۲	۴.۸٪	۴۰٪	۲	۲۴.۸٪	۲۷.۷٪	۱۰	کوزه	۲				
۴.۸٪	۲	۰	۰	۰	۴.۸٪	۱۲.۱٪	۵.۵٪	۱۴٪	۲	۵	آبریزدار	کاسه	۳
۷.۳٪	۳				۷.۳٪		۸.۵٪		۳		پایه‌دار		
۲.۴٪	۱	۲.۴٪	۲۰٪	۱	۰	۰	۰	ظرف سه پایه‌دار	۴				
۴.۸٪	۲	۴.۸٪	۴۰٪	۲	۰	۰	۰	پیاله	۵				
۲.۴٪	۱	۰	۰	۰	۲.۴٪	۲.۷٪	۱	شیرمک	۶				
۲.۴٪	۱	۰	۰	۰	۲.۴٪	۲.۷٪	۱	بخوردان	۷				
۷.۳٪	۳	۰	۰	۰	۷.۳٪	۸.۵٪	۳	ظرف آشپزخانه‌ای	۸				
۱۰۰٪	۴۱	۱۲٪	۱۰۰٪	۵	۸۸٪	۱۰۰٪	۳۶	کل					

جدول ۲: فراوانی گونه‌های ظروف سفالی تدفینی بر اساس فرم (نگارندگان، ۱۴۰۴)

Tab 2: Frequency of burial's pottery types based on form (Authors, 2025)



شکل ۱۲: نمودار درصد فراوانی گونه‌های ظروف سفالی تدفینی بر اساس فرم (نگارندگان، ۱۴۰۴)

Fig 12: Percentage abundance chart of burial's pottery types based on form (Authors, 2025)

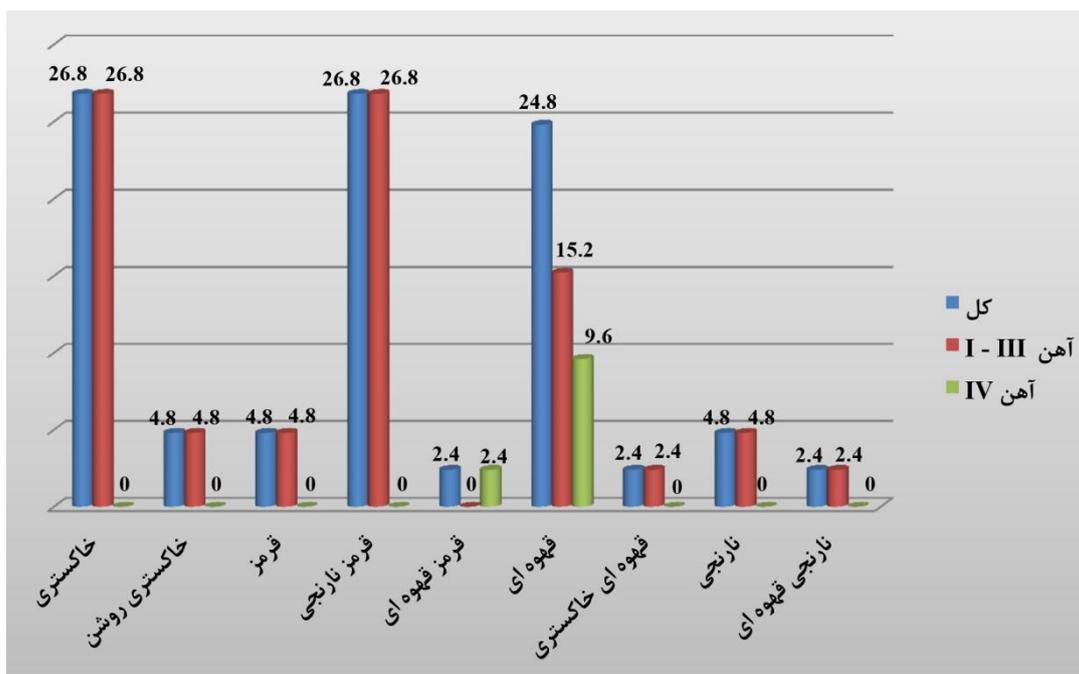
جدول ۳: فراوانی گونه‌های ظروف سفالی تدفینی بر اساس رنگ‌بندی (نگارندگان، ۱۴۰۴)

Tab 3: Frequency of burial pottery types based on color (Authors, 2025)

جمع دوره‌ها		دوره						گونه رنگ	ردیف	
		آهن IV			آهن I - III					
		درصد	تعداد	در دوره	درصد	تعداد	در دوره			
درصد	تعداد	در کل			در دوره			درصد	تعداد	در کل
۲۶.۸%	۱۱	۰	۰	۰	۰	۲۶.۸%	۳۰.۵%	۱۱	خاکستری	۱
۴.۸%	۲	۰	۰	۰	۰	۴.۸%	۵.۵%	۲	خاکستری روشن	۲
۴.۸%	۲	۰	۰	۰	۰	۴.۸%	۵.۵%	۲	قرمز	۳
۲۶.۸%	۱۱	۰	۰	۰	۰	۲۶.۸%	۳۰.۵%	۱۱	قرمز نارنجی (آجری)	۴
۲.۴%	۱	۲.۴%	۲۰%	۱	۰	۰	۰	۰	قرمز قهوه‌ای	۵
۲۴.۸%	۱۰	۹.۶%	۸۰%	۴	۱۵.۲%	۱۷%	۶	۶	قهوه‌ای	۶
۲.۴%	۱	۰	۰	۰	۲.۴%	۲.۷%	۱	۱	قهوه‌ای خاکستری	۷
۴.۸%	۲	۰	۰	۰	۴.۸%	۵.۵%	۲	۲	نارنجی	۸
۲.۴%	۱	۰	۰	۰	۲.۴%	۲.۷%	۱	۱	نارنجی قهوه‌ای	۹
۱۰۰%	۴۱	۱۲%	۱۰۰%	۵	۸۸%	۱۰۰%	۳۶	۳۶	کل	

شکل ۱۳: نمودار درصد فراوانی گونه‌های ظروف سفالی تدفینی بر اساس رنگ‌بندی (نگارندگان، ۱۴۰۴)

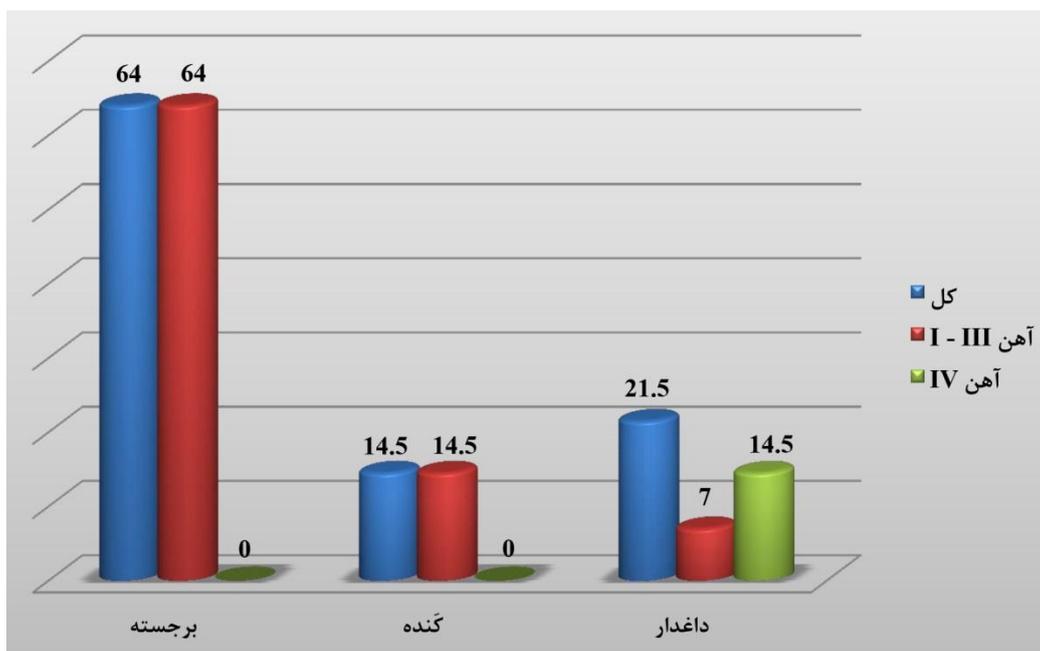
Fig 13: Frequency abundance chart of burial's pottery types based on color (Authors, 2025)



جدول ۴: فراوانی انواع تزیینات روی ظروف سفالی تدفینی (نگارندگان، ۱۴۰۴)

Tab 4: Frequency of decoration types on burial's pottery vessels (Authors, 2025)

جمع دوره‌ها		دوره						نوع تزیین	ردیف
		آهن IV			آهن I - III				
درصد	تعداد	درصد		تعداد	درصد		تعداد		
		در کل	در دوره		در کل	در دوره			
۶۴ %	۹	۰	۰	۰	۶۴ %	۷۵ %	۹	برجسته	۱
۱۴,۵ %	۲	۰	۰	۰	۱۴,۵ %	۱۶,۵ %	۲	کنده	۲
۲۱,۵ %	۳	۱۴,۵ %	۱۰۰ %	۲	۷ %	۸,۵ %	۱	داغدار	۳
۱۰۰ %	۱۴	۱۴,۵ %	۱۰۰ %	۲	۸۵,۵ %	۱۰۰ %	۱۲	کل	



شکل ۱۴: درصد فراوانی انواع تزیینات ظروف سفالی تدفینی (نگارندگان، ۱۴۰۴)

Fig 14: Frequency abundance chart of decoration types on burial's pottery vessels (Authors, 2025)

در کنار ظروف سفالی به عنوان مهم‌ترین گورآوندهای این گورستان، جنگ‌افزارها شامل خنجر، سرنیزه و سرپیکان‌های مفرغی سهم قابل توجهی را به خود اختصاص داده‌اند که در گورهای مردان و زنان مشاهده می‌شود. جنگ‌افزارهای این محوطه از انواع رایج محوطه‌های عصر آهنی ایرانی هستند که از تنوع ریخت‌شناسی بالایی برخوردار نبوده و اکثراً شامل تیغه‌های ساده برگ‌شکل (بیضی) و مثلثی شکل با یک زبانه جهت قراردادن دسته چوبی یا ریسمانی می‌باشند. همچنین دفن‌شدگان این گورستان دارای زیورآلاتی مانند گوشواره‌های نقره‌ای مارپیچی، سنجاق‌ها و دستبندهای مفرغی و نقره‌ای و مهره‌های تزیینی به عنوان گردنبند و دستبند و پابند از جنس خمیرشیشه، عقیق قرمز و صدف می‌باشند. شایان ذکر است که سنجاق‌ها از مهم‌ترین عناصر تزیینی مورد استفاده مردمان جامعه شهنه پشته بوده است. سنجاق‌ها از دوران پیش از تاریخ و به ویژه از دوره مفرغ به بعد در سرتاسر خاور نزدیک و آسیای مرکزی معمولاً با کاربری‌هایی همچون تزیین موهای سر، تزیین لباس و در نهایت نوع پیشرفته‌تر آنها به عنوان ابزار یا میله‌ای برای سرمه‌دان‌ها استفاده می‌شده است. سنجاق‌های شهنه پشته شامل سه نوع فرم کلی شامل گروه اول مفتولی ساده، گروه دوم بدنه مخروطی با یک انتهای شکسته و یک انتهای پهن و گروه سوم به صورت میله‌های مفتولی (مانند گروه اول) با یک انتهای برگشته به داخل می‌باشند. در این میان، اشیاء مفتولی بایک انتهای سوراخ‌دار را می‌توان در گروه سوزن‌ها جای داد که هم کاربرد تزیینی و هم کاربرد ابزاری داشته‌اند. در مورد کاربرد سنجاق‌ها چند حالت مختلف وجود دارد: نوع اول شکل بسیار ساده-ای داشته که به نظر می‌رسد برای تزیین مو و شاید بستن و آرایش لباس‌ها (یا حتی کفن) استفاده می‌شده‌اند. برای نوع دوم و سوم که دارای انتهای برگشته و حفره‌دار هستند نیز می‌توان همین کاربرد را اشاره کرد و با توجه به عدم حضور ظروف آرایشی و سرمه‌دان در گورها احتمالاً به عنوان میله سرمه‌دان استفاده نمی‌شدند. نوع چهارم شاید به عنوان یک

سوزن می‌توانسته هم در تزیین و هم به صورت ابزار دوختن استفاده گردد. بطور کلی می‌توان گفت سنجاق‌ها و سوزن‌های شهنه پشته به دلیل ساده‌بودن فرم و عدم تزیینات برخلاف سنجاق‌های شاخص عصر آهن، در مطالعه این محوطه کمک چندانی نمی‌نماید. به علاوه، مجموعه مهره‌های یافت‌شده از شهنه پشته دارای احتمالا پنج نوع کاربرد بوده که با توجه به محل یافت آنها این کاربری‌ها متصور است. تعداد زیادی از آنها در موقعیت زیر چانه تا امتداد قفسه سینه، روی سر، دور گردن و روبروی صورت جای داشتند که ممکن است به عنوان گردنبد یا حتی پیشانی‌بند جای‌گذاری شده بودند. همچنین چند مهره خمیرشیشه همگی با هم در سمت راست مجموعه تدفین ۳۱ قرار داشتند که ممکن است به عنوان گوشواره استفاده می‌شده‌اند. به علاوه، ۱۳ مهره سنگی به صورت پراکنده در کنار لگن در قسمت راست تدفین ۳۱ جای داشتند که ممکن است به عنوان کمربند مورد استفاده قرار می‌گرفتند. همچنین، ۵ مهره مفرغی روی مچ پای چپ تدفین ۳۱ و تعدادی مهره خمیرشیشه‌ای روی استخوان لگن، ران و دور مچ پای چپ تدفین ۳۲ قرار داشتند که احتمالا می‌توان به عنوان تزیین پا و پابند از آنها یاد کرد. در مورد مبحث ابعاد مهره‌ها می‌توان گفت که دارای قطر حداکثر ۲ و حداقل ۱ سانتی‌متر می‌باشند. در نهایت در مورد تزیینات و نقوش روی مهره‌ها، در بین تمام مهره‌های تزیینی تنها مهره‌های خمیرشیشه‌ای دارای نوعی از تزیینات منحصر بفرد می‌باشند و در این بین، چند مهره دارای نوعی تزیین با اشکال حیوانی نامشخص بوده و همچنین نمونه‌های بسیار خاص‌تر دارای نقوش هندسی خطوط مواج احتمالا نوعی گیاه هستند.

### نتیجه‌گیری

داده‌های گورستان شهنه پشته، نشان‌دهنده مجموعه‌ای از تشابهات و تفاوت‌ها در مواد فرهنگی با محوطه‌های فرمانطقه-ای مانند گرگان، گیلان، فلات مرکزی و شمال غرب ایران است. در بحث ظروف سفالی، مجموعه سفالینه‌های این محوطه در برخی فرم‌های سفالی مانند تنگ‌ها، کوزه‌ها، کاسه‌های پایه‌دار، ظرف سه‌پایه‌دار، صافی/بخوردان، با وجود ظروف خاکستری، قرمز-نارنجی و قرمز دارای قرابت‌های زیادی با محوطه‌های گیلان و فلات مرکزی و تا حدود کمتری با منطقه گرگان است. همچنین در مباحث جنگ‌افزارها و نیز زیورآلات به ویژه مهره‌های خمیرشیشه، عقیق سرخ، صدفی و مفرغی دارای نمونه‌های مشابه فراوانی در محوطه‌های اواخر مفرغ همچون تپه پردیس و محوطه‌های عصر آهنی گیلان مانند مارلیک، کلورز، مریان و نیز فلات مرکزی مانند سیلک، تپه ازبکی، قیطره است. به نظر می‌رسد منطقه مازندران به عنوان منطقه‌ای با درازای زیاد، از شرق تا غرب خود متاثر و مرتبط با فرهنگ‌های فرمانطقه‌ای مجاور بوده و این ارتباطات فرهنگی با سرزمین‌های پیرامونی همواره در طول تاریخ امری اجتناب‌ناپذیر بوده است. با این وجود به رغم همجواری با منطقه گرگان (با فرهنگ دهستان کهن) در شرق خود، ظاهرا ارتباطات تاریخی زیادی میان محوطه‌های این دو منطقه وجود ندارد و با وجود حضور برخی فرم‌های سفالی شاخص فرهنگ دهستان از جمله کاسه آبریزدار با دسته افقی در مازندران، اما این فرم‌ها به شکل فرمانطقه‌ای و در گستره بزرگی از ایران یافت شده و در نتیجه می‌توان حوزه گوه‌رتپه به‌شهر را مرز میان فرهنگ‌های عصر آهن مازندران با منطقه گرگان در نظر گرفت. شایان ذکر است که در مراحل پایانی عصر آهن به ویژه آهن III همگونی زیادی میان مناطق گسترده‌ای از ایران به وقوع می‌پیوندد. بنابراین مجموعه گورآوندهای گورستان شهنه پشته واقع در بخش‌های مرکزی مازندران، نشان‌دهنده وجود برهمکنش‌های

گسترده فرهنگی با مناطق غربی و جنوبی در البرز شرقی و جنوبی به ویژه با گیلان و فلات مرکزی و کمی با شمال - غربی است و این ارتباط گسترده احتمالاً نشان از وجود یک جغرافیای فرهنگی با همگونی نسبی (جدا از منطقه گرگان با فرهنگ دهستان کهن و شمال شرق/خراسان با فرهنگ یاز) است. با این حال نباید از نظر دور داشت که رشته کوه‌های البرز به عنوان یک مانع طبیعی می‌توانسته نوعی مرز فرهنگی داخلی را برای محوطه‌های درون منطقه‌ای مازندران ایجاد نماید و شاید بتوان برخی فرم‌های سفالی مانند ظروف سه‌پایه‌دار (با فرم مختص به محوطه‌های مازندران و متفاوت از گونه‌های فلات مرکزی) و نوع خاصی از بخوردان/صافی و همچنین گور با پوشش قطعات سفالی را نوعی از مرز و چهارچوب‌بندی فرهنگی داخل جغرافیای بزرگ مازندران-گیلان-فلات مرکزی در نظر گرفت. این چهارچوب و مرزبندی فرهنگی - و نه جغرافیایی - را می‌توان برای برخی مناطق دیگر همچون شمال شرق، شمال غرب و حتی جلگه گرگان (فرهنگ دهستان) در نظر گرفت که با ویژگی‌های فرهنگی منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای خود، چهارچوب‌های فرهنگی خاص خود را داشته‌اند و احتمالاً توسط مراکز حکومتی منطقه‌ای دارای معماری شاخص همچون ترنگ‌تپه و مادائو و عزت‌قلی در منطقه گرگان - دهستان، تپه یام و تپه نادری در خراسان و همچنین حسنلو و دینخواه در دشت‌های سولدوز و اشنویه در آذربایجان اداره می‌شده‌اند.

### سپاسگزاری

از آنجا که مقاله فوق بر پایه نتایج دو فصل کاوش‌های باستان‌شناسی محوطه شهانه پشته بابل به سرپرستی نویسنده اول نگاشته شده، لذا بایستی از تلاش‌های بی‌منت تمامی اعضای گروه کاوش در طول فعالیت‌های میدانی و مطالعاتی آن سپاسگزاری نمایم. به علاوه، نگارندگان مقاله بر خود لازم می‌دانند تا از داوران محترم مجله جهت خوانش و ارائه نظرهای سازنده جهت هرچه بهتر شدن مقاله قدردانی نمایند.

### درصد مشارکت نویسندگان

میزان مشارکت نگارندگان در این مقاله به صورت نویسنده اول ۴۰ درصد و نویسندگان دوم و سوم و چهارم هر کدام ۲۰ درصد می‌باشد.

### تضاد منافع

نگارندگان مقاله ضمن رعایت اخلاق نشر در ارجاع‌دهی‌ها و همچنین در عدم انتشار مطالب مقاله در هیچ نشریه دیگری، نبود تضاد منافع را اعلام می‌دارند.

### کتابنامه

- امیرکلایی، ابراهیم، (۱۳۸۷). «گزارش گمانه زنی به منظور تعیین عرصه و حریم محوطه قلعه کش دابودشت شهرستان آمل، مازندران». مازندران: اداره کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری (منتشر نشده).
- امیرکلایی، ابراهیم، (۱۳۸۸). «گزارش دومین فصل کاوش محوطه قلعه کش دابودشت شهرستان آمل، مازندران». مازندران: اداره کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری (منتشر نشده).
- امیرکلایی، ابراهیم، (۱۳۹۱). «گزارش فصل سوم کاوش‌های باستان‌شناسی محوطه قلعه کش شهرستان آمل، مازندران». مازندران: اداره کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری (منتشر نشده).
- جهانی، ولی، ۱۳۹۳، *باستان‌شناسی دیلمان. پژوهش‌های باستان‌شناسی در محوطه‌های باستانی یسن. رشت: بلور.*

- حاکمی، علی، (۱۳۹۶). *کاوش‌های باستان‌شناسی رودبار گیلان*. ۱۳۴۳ تا ۱۳۴۷ هجری خورشیدی. به کوشش: شاهین آریامنش، تهران: پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری.
- حسین‌زاده ساداتی، جواد؛ نورعلیوند، حمزه؛ جاوری، محسن؛ منتظرظهوری، مجید؛ سهرابی‌نیا، احمد؛ و سولتیشیاک، آرکادیوش، (۱۳۹۸). «فرهنگ سفال خاکستری و گورستان‌های هزاره دوم منطقه مرکزی ایران: ارزیابی تاریخی گذاری‌های مطلق»، *همایش بین‌المللی عصر آهن در غرب ایران و مناطق همجوار (۱)*، به کوشش: یوسف حسن زاده، علی اکبر وحدتی، و زاهد کریمی، تهران: پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری، موزه ملی ایران، سنندج: اداره کل میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی استان کردستان: ۴۲۱-۴۳۷.
- حیدری، نرگس، (۱۳۹۵). «بررسی الگوهای استقرار محوطه‌های پیش از تاریخی استان مازندران از دوره پارینه سنگی تا عصر آهن». رساله دکتری، بابلسو: دانشگاه مازندران (منتشر نشده).
- حیدریان، محمود، (۱۳۹۰). «چگونگی سیر تحول فرهنگ‌های پیش از تاریخی غرب مازندران بر اساس کاوش‌های باستان‌شناسی تپه کلار و پناهگاه صخره‌ای راشک کلاردشت»، رساله دکتری، تهران: دانشگاه تربیت مدرس (منتشر نشده).
- خلعتبری، محمدرضا، (۱۳۸۳ الف). *کاوش‌های باستان‌شناسی در محوطه‌های باستانی تالش، تول گیلان*. تهران: پژوهشگاه باستان‌شناسی، رشت: اداره کل میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی استان گیلان.
- خلعتبری، محمدرضا، (۱۳۸۳ ب). *کاوش‌های باستان‌شناسی در محوطه‌های باستانی تالش، وسکه و میان‌رود*. تهران: پژوهشگاه باستان‌شناسی، رشت: اداره کل میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی استان گیلان.
- خلعتبری، محمدرضا، (۱۳۸۳ ج). *کاوش‌های باستان‌شناسی در محوطه‌های باستانی تالش، مریان و تندوبین*. تهران: پژوهشگاه باستان‌شناسی، رشت: اداره کل میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی استان گیلان.
- خلعتبری، محمدرضا، (۱۳۹۷). «کاوش در گورستان ایزگام رشت». *گزارش‌های شانزدهمین گردهمایی سالانه باستان‌شناسی ایران (مجموعه مقالات کوتاه ۱۳۹۶)*، تهران: پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری.
- دارک، کن، (۱۳۸۷). *میانی نظری باستان‌شناسی*. ترجمه کامیار عبدی، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- ده پهلوان، مصطفی؛ جاهد، مهدی؛ تازیک، عمار؛ محمدخانی، کورش؛ و فرنام، الهام، (۱۳۹۸). «ترانه ۱۳، گورستان نویافته غربی عصر آهن ۲ و ۳ قره تپه سگزآباد». *همایش بین‌المللی عصر آهن در غرب ایران و مناطق همجوار (۱)*، به کوشش: یوسف حسن زاده، علی اکبر وحدتی، و زاهد کریمی، تهران: پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری، موزه ملی ایران، سنندج: اداره کل میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی استان کردستان: ۳۷۰-۳۹۱.
- دهستانی کلارگ، محمد، (۱۳۹۱). «گاهنگاری نسبی استقرارهای باستانی شهرستان بابل از دوره نوسنگی تا عصر آهن». پایان‌نامه کارشناسی-ارشد، تهران: دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی (منتشر نشده).
- رضالو، رضا؛ و آیرملو، یحیی، (۱۳۹۶). «گورهای عصر آهن I گورستان گیلوان خلخال». *مطالعات باستان‌شناسی پارسه*، ۲ (۱): ۳۷-۵۸. <https://doi.org/10.30699/PJAS.1.2.37>
- رضایی، حبیب، (۱۳۹۷). «گمانه‌زنی به منظور تعیین عرصه و پیشنهاد حریم تپه شریف گرگان». *گزارش‌های شانزدهمین گردهمایی سالانه باستان‌شناسی ایران (مجموعه مقالات کوتاه ۱۳۹۶)*، تهران: پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری: ۲۲۰-۲۲۵.
- رضائی‌نیا، عباسعلی؛ وحدتی، علی‌اکبر؛ و شریفی، مصطفی، (۱۴۰۰). یافته‌های فرهنگ عصر آهن تپه پری جای مازندران». *مطالعات باستان‌شناسی پارسه*، ۵ (۱۶): ۵۱-۶۸. <https://doi.org/10.30699/PJAS.5.16.51>
- روستایی، کوروش؛ و کوهی گیلوان، مجید، (۱۳۸۶). «تپه حصار در عصر آهن». *نامه پژوهشگاه*، ۲۱-۲۰: ۸۸-۶۹.
- سرلک، سیامک، (۱۳۹۰). *باستان‌شناسی و تاریخ قم: نتایج کاوش‌های باستان‌شناختی و لایه نگاری محوطه قلی درویش و شادقلی خان*. اداره کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری قم، قم: شاخص.
- سیلاخوری، بابک، (۱۳۹۳). «بررسی و تحلیل یافته‌های باستان‌شناختی محوطه‌ی پریجا، شهرستان قائمشهر». پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد، بابلسو: دانشگاه مازندران (منتشر نشده).
- شریفی‌لاهوئی، عبدالملک، (۱۳۸۶). «کاوش‌های باستان‌شناسی در محوطه عصر آهن گندآب شهیرزاد، استان سمنان». *گزارش‌های نهمین گردهمایی سالانه باستان‌شناسی ایران (مجموعه مقالات: جلد دوم)*، چاپ اول، تهران: پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری: ۲۲۹-۲۴۶.

- شریفی‌هولائی، عبدالمطلب، (۱۳۹۶). «پژوهش‌های باستان‌شناسی گورستان عصر آهن گندآب شهمیرزاد، استان سمنان». مطالعات باستان‌شناسی پارسه، ۱ (۱): ۴۹-۶۰. <https://doi.org/10.30699/PJAS.1.1.49>
- صفری، مجتبی. (۱۴۰۰). «گاهنگاری و مطالعه برهم‌کنش‌های منطقه‌ای و برون منطقه‌ای در جبهه‌ی شمالی البرز مرکزی در عصر عصر مفرغ براساس کاوش تپه بزرویدی (قلعه بن) بابل در مازندران». رساله دکتری، بابل: دانشگاه مازندران (منتشر نشده).
- صمدی، حبیب‌الله، (۱۳۳۴). «اطلاعات اجمالی درباره چند ظرف مکشوفه در دروس شمیران». فصلی از مجلد سوم گزارش‌های باستان‌شناسی، تهران: موزه ایران باستان: ۱۳۹-۱۴۶.
- عابدینی‌عراقی، مهدی، (۱۳۹۶). «بررسی استقرارهای عصر آهن III در منطقه مرکزی مازندران». پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز (منتشر نشده).
- عباسی، قربانعلی، (۱۳۹۴). *دستاوردهای باستان‌شناسی دشت گرگان بزرگ (ورکان)*. تهران: ایران نگار.
- عزیزخرانقی، محمدحسین؛ و معجزاتی، فریبا، (۱۴۰۰). *پژوهش‌های باستان‌شناسی گیلان به روایت فعالیت‌های استاد محسن مقدم*. تهران: موزه ملی ایران. <https://irannationalmuseum.ir/fa/wp-content/uploads/2021/10/Azizi-and-Mojezati-1400-Gilan-archaeology-Moghadam.pdf>
- عسکری خانقاه، اصغر؛ و کمالی، محمد شریف، (۱۳۸۷). *انسان شناسی عمومی*. تهران: سمت.
- علاءالدین، علی محمد، (۱۳۹۴). «گونه‌شناسی و مطالعه تطبیقی مجموعه زیارت در موزه ملی ایران و موزه باستان‌شناسی گرگان». پایان‌نامه کارشناسی ارشد، زاهدان: دانشگاه سیستان و بلوچستان (منتشر نشده).
- فاضلی‌نشی، حسن، (۱۳۹۷). «گزارش فصل اول کاوش محوطه‌های بزرویدی (قلعه بن) و شهنه پشته شهر خشرویدی شهرستان بابل، تهران: پژوهشکده باستان‌شناسی (منتشر نشده).
- فاضلی‌نشی، حسن، (۱۳۹۹). «گزارش کاوش در محوطه شهنه‌پشته شهرستان بابل». تهران: پژوهشکده باستان‌شناسی (منتشر نشده).
- فاضلی‌نشی، حسن؛ دارابی، حجت؛ ناصری، رضا؛ و فلاحیان، یوسف، (۱۳۹۰). «گاهنگاری مطلق و نسبی تپه سگزآباد دشت قزوین». *مطالعات باستان‌شناسی*، ۳ (۱): ۱۳۳-۱۵۸. [https://jarcs.ut.ac.ir/article\\_28699.html](https://jarcs.ut.ac.ir/article_28699.html)
- فاضلی‌نشی، حسن؛ و آقارای، بایرام، (۱۳۹۴). «واکاوی عصر آهن دشت تهران بر اساس داده‌های باستان‌شناسی تپه پردیس». *ارج ورجاوند: یادنامه استاد دکتر پرویز ورجاوند، به کوشش: شاهین آریامنش، تهران: سهمای انتشارات: ۱۴۹-۱۹۰*. <https://iranvarjavand.ir/wp-content/uploads/2020/03/Arj-e-Varjavand-p.pdf>
- فرخ‌نیا، شراره، (۱۳۹۹). «گونه‌شناسی و مقایسه تطبیقی سفال‌های گورستان قیطره: بازنگری مجموعه موجود در موزه ملی ایران». *موزه ملی ایران*، ۱ (۱): ۹۳-۱۲۸. <https://doi.org/10.6084/m9.figshare.14754171>
- فلاح‌کیایی، محمد، (۱۳۹۵). «پژوهش میدانی محوطه‌های عصر آهن حوضه‌ی رود تجن ساری». پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی (منتشر نشده).
- فهیمی، حمید، (۱۳۸۲). «سکونتگاه گورخفتگان صرم. گزارشی درباره محوطه شمشیرگاه در جنوب قم، اردیبهشت ۱۳۸۲». *باستان‌شناسی و تاریخ*، ۱۸ (۱): ۶۲-۶۹.
- قاسمی‌گرچی، سرالله، (۱۳۹۶). «آغاز عصر آهن در دشت‌های شرقی مازندران». پایان‌نامه کارشناسی ارشد، بابل: دانشگاه مازندران (منتشر نشده).
- کامبخش‌فرد، سیف‌الله، (۱۳۷۹). *سفال و سفالگری در ایران از ابتدای نوسنگی تا دوران معاصر*. تهران: ققنوس.
- کیانی، محمدیوسف، (۱۳۵۷). *سفال ایرانی: بررسی سفالینه‌های ایرانی مجموعه نخست وزیری*. تهران: انتشارات نخست‌وزیری.
- مجیدزاده، یوسف، (۱۳۸۹ الف). *کاوش‌های محوطه باستانی ازبکی، جلد اول: هنر و معماری*. تهران: اداره کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان تهران.
- مجیدزاده، یوسف، (۱۳۸۹ ب). *کاوش‌های محوطه باستانی ازبکی، جلد دوم: سفال*. تهران: اداره کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان تهران.
- ملک شهمیرزادی، صادق؛ و نوکنده، جبرئیل، (۱۳۷۹). *آق تپه*. تهران: سازمان میراث فرهنگی.

- میرموسوی، مقدا؛ و نوکنده، جبرئیل، (۱۳۹۶). «محوطه کبودوال، نویافته ای از عصر آهن در دشت گرگان». مجموعه مقالات اولین نشست تخصصی چشم انداز باستان‌شناسی عصر آهن شمال و شمال‌غرب، به کوشش: ولی جهانی و مهدیس نجف زاده، رشت: اداره کل میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی استان گیلان: ۳۶-۵۴.
- نعمتی، محمدرضا، (۱۴۰۲). «فصل چهارم کاوش گورستان مرسین چال (سد فینسک)، استان سمنان». گزیده‌ای از یافته‌های پژوهش‌های باستان‌شناسی ایران در سال ۱۴۰۰ (بیست و یکمین گردهمایی سالانه باستان‌شناسی ایران، اسفندماه ۱۴۰۲)، چاپ اول، تهران: پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری: ۱۲۱-۱۳۲.
- نقشینه، امیرصادق، (۱۳۸۴). «کاوش‌های غار هوتو و اهمیت یافته‌های سفالی عصر آهن آن». پیام باستان‌شناس، ۳ (۲): ۵۹-۷۸.  
<https://sanad.iau.ir/journal/peb/Article/704549?jid=704549>
- نقشینه، امیر صادق؛ حاتمی، ناز؛ و نیکروان متین، هومن، (۱۳۹۲). «مطالعه پتروگرافی سفال عصر آهن غار هوتو». پژوهش‌های باستان‌شناسی ایران، ۵: ۶۳-۷۸.  
[https://nbsh.basu.ac.ir/article\\_706.html](https://nbsh.basu.ac.ir/article_706.html)
- واندنبرگ، لوئی، (۱۳۴۸). باستان‌شناسی ایران باستان. گنجینه باستان‌شناسی ایران شماره ۲. ترجمه عیسی بهنام، تهران: دانشگاه تهران.
- یانگ، کایلر، (۱۳۷۳). «بازنگری عصر آهن ایران: نظریاتی مقدماتی برای ارزیابی عقاید پیشین». ترجمه کامیار عبدی، میراث فرهنگی، ۱۲: ۲۴۹-۳۳۷.
- Abbasi, G. A., (2011). *Archaeological Achievements of the Greater Gorgan Plain (Varkan)*, Tehran: Iran Negar, Gorgan: Cultural Heritage, Tourism and Handicrafts Organization of Golestan province. (in Persian)
- Abdollahi, S., Afkhami, B. & Razaloo, Reza., (2024). "Kurgan of Fakhrabad, Meshkinshahr, Northwest Iran". *Persica Antiqua*, 4 (6): 3-15.  
<https://doi.org/10.22034/pa.2023.394993.1050>
- Abedini Araghi, M., (2017). "A Study of Iron Age III Settlements in the Central Region of Mazandaran". Master's thesis, Tehran: Islamic Azad University, Central Tehran Branch (unpublished). (in Persian)
- Alaeddin, M., (2015). "Typology and Comparative Study of the "Ziarat Collection" in the National Museum of Iran and the Gorgan Archaeological Museum". Master's thesis, Zahedan: University of Sistan and Baluchestan (unpublished). (in Persian)
- Amirkolaei, E., (2008). "Report on the sounding to determine the area and boundaries of the Qaleh Kash Dabudasht site in Amol County". Tehran: Iranian Center for Archaeology (ICAR), Sari: Cultural Heritage, Tourism and Handicrafts Organization of Mazandaran province (unpublished). (in Persian)
- Amirkolaei, E., (2009). "Report on the second season of excavation of the Qaleh Kash Dabudasht site in Amol, Mazandaran". Tehran: Iranian Center for Archaeology (ICAR), Sari: Cultural Heritage, Tourism and Handicrafts Organization of Mazandaran province (unpublished). (in Persian)
- Amirkolaei, E., (2012). "Report on the third season of excavation of the Qaleh Kash Dabudasht site in Amol". Tehran: Iranian Center for Archaeology (ICAR), Sari: Cultural Heritage, Tourism and Handicrafts Organization of Mazandaran province (unpublished). (in Persian)
- Alaeddin, A. M., (2015). "Typology and Comparative Study of the Pilgrimage Collection in the National Museum of Iran and the Gorgan Archaeological Museum).

- Master's thesis, Zahedan: University of Sistan and Baluchestan (unpublished). (in Persian)
- Arne, T.J., (1945). *Excavations at Shah Teppeh, Iran*, Reports from the Scientific Expedition to the North-western Provinces of China under the Leadership of Dr. Sven Hedin, Stockholm: Publication 27.
  - Askari Khanaghah, A., & Kamali. M. Sh., (2008). *General Anthropology*, Tehran: Samt Publication. (in Persian)
  - Azizi-Kharanaghi, M. H., & Mojezati, F., (1400). *Archaeological Researches of Gilan Narrated by the Activities of Professor Mohsen Moghadam*, Tehran: National Museum of Iran. (in Persian)
  - Burney, Ch., (1970). "Excavations at Haftavān Tepe 1968: First Preliminary Report". *Iran*, 8 (1): 157-171. <https://doi.org/10.2307/4299640>
  - Burney, Ch., (1972). "Excavations at Haftavān Tepe 1969: Second Preliminary Report", *Iran*, 10 (1): 127-142. <https://doi.org/10.2307/4300469>
  - Bunimovitz, S., & Lederman Z., (2012). "Iron Age Iron: From Invention to Innovation". *Studies in Mediterranean Archaeology: Fifty Years On (Studies in Mediterranean Archaeology 137)*, In: Webb, J.M. and Frankel, D. eds., Uppsala, Åströms Förlag: 103-112.
  - Cifarelli, M., (2018). "Entangled Relations over Geographical and Gendered Space: Multi-Component Personal Ornaments at Hasanlu". *Archaeopress Ancient Near Eastern Archaeology 3*, Composite Artefacts in the Ancient Near East. Exhibiting an imaginative materiality, showing a genealogical nature, Edited by: Silvana Di Paolo, Oxford: Holywell Press: 51-61. <https://doi.org/10.2307/j.ctv1nzhvtp.10>
  - Cooper. A., Garrow. D., & Gibson. C., (2020). "Spectrums of depositional practice in later prehistoric Britain and beyond. Grave goods, hoards and deposits 'in between'". *Archaeological Dialogues*, 27: 135–157. <https://doi.org/10.1017/S1380203820000197>
  - Danti, M. D., (2013a). *Hasanlu V: The Late Bronze Age and Iron Age I Periods*, Hasanlu Excavation Reports III, Philadelphia: University of Pennsylvania Museum of Archaeology and Anthropology. <https://www.penn.museum/research/publications/publication/943>
  - Danti, M. D., (2013b). "The Late Bronze and Early Iron Age in Northwestern Iran". *The Oxford Handbook of Ancient Iran*, Edited by: Daniel T. Potts, Oxford: Oxford University: 327-376. <https://doi.org/10.1093/oxfordhb/9780199733309.013.0006>
  - Dark, K. R., 2008, *Theoretical Archaeology*, translated by: Kamyar Abdi, Tehran: Center of Publishing University. (in Persian)
  - Dehestani Kolagar, M., (2012). "Relative chronology of ancient settlements in Babol city from the Neolithic period to the Iron Age". Master's thesis, Tehran: Islamic Azad University, Central Tehran Branch (unpublished). (in Persian)
  - Deh Pahlevan, M., Jahed, M., Tazik, A., Mohammadkhani, K., & Farnam, E., (2019). "Trench 13, Newly discovered western cemetery of Iron Age II and III in Qare Tepe, Segezabad". *International Conference on the Iron Age in Western Iran and Adjacent Areas (1)*, edited by: Yousef Hassanzadeh *et al.*, Sanandaj: 370-391. (in Persian)

- Dyson, R.H.J., (1965a). "Problems of Protohistoric Iran as Seen from Hasanlu". *Journal of Near Eastern Studies*, 24 (3): 193-217. <http://www.jstor.org/stable/543123>
- Dyson, R.H.J., & Muscarella, O.W., (1989). "Constructing the Chronology and Historical Implications of Hasanlu IV". *Iran*, 27: 1-27. <https://doi.org/10.1080/05786967.1989.11834359>
- Fahimi, H., (2003). "The settlement of the deads of Sarm. A report on the Shamshirgah site in the south of Qom, May 2003". *Journal of Archaeology and History*, 18 (1-35): 62-69. (in Persian)
- Fahimi, H., (2010). "An Iron Age Fortress in Central Iran: Archaeological Investigations in Shamshirgah, Qom, 2005, Preliminary Report". *Proceedings of the 6th International Congress on the Archaeology of the Ancient Near East*, 2008, in: Matthiae, edited by: P., Pinnock, F., Nigro, L. and Marchetti, N. (eds.), Università di Roma, Sapienza: Wiesbaden: Harrassowitz Verlag: 165-183.
- Fahlander, F., & Oestigaard, T., (2008). "The Materiality of Death: Bodies Burials Beliefs". *The Materiality of Death: Bodies Burials Beliefs*, Chapter 1, Oxford : Archaeopress: 1-16.
- Fallah Kiapey, M., (2016). "Field research of Iron Age sites in the Tajan River Basin in Sari". Master's thesis, Tehran: Islamic Azad University, Central Tehran Branch (unpublished). (in Persian)
- Farrokhnia, Sh., (2019). "Typology and Comparative Comparison of Qaytariyeh Cemetery Pottery: Review of the Collection in the National Museum of Iran". *National Museum of Iran*, 1 (1): 93-128. (in Persian)
- Fazeli Nashli, H., (2018). *Report on the first season of the excavation of the sites of Bazrudpi (Qala'e Ben) and Shahne Poshte, Kheshrudpi, Babol County*, Tehran: Iranian Center for Archaeology (ICAR), Sari: Cultural Heritage, Tourism and Handicrafts Organization of Mazandaran province (unpublished). (in Persian)
- Fazeli Nashli, H., 2019. "Report on the excavation of Shahne Poshte, Babol County". Tehran: Iranian Center for Archaeology (ICAR), Sari: Cultural Heritage, Tourism and Handicrafts Organization of Mazandaran province (unpublished). (in Persian)
- Fazeli Nashli, H., Darabi, H., Naseri, R., & Fallahian, Y., (2011). "Absolute and relative chronology of the Saghezabad in the Qazvin plain". *Archaeological Studies*, 3 (1-3): 133-158. (in Persian)
- Fazeli Nashli, H., & Aghalari, B., (2015). "Excavation of the Iron Age of the Tehran Plain based on archaeological data from Tepe Pardis". *Arj-e Varjavand: Memorial of Professor Dr. Parviz Varjavand*, edited by: Shahin Ariamanesh, Tehran: sahami: 149-190. (in Persian)
- Fazeli Nashli, H., Sarlak, S., Hoseinzadeh J., Yazdani, S., Rafiei-Alavi, B., & Carolin, S.A., (2022). "The North and South Central Plateau of Iran During the Third and Second Millennium BCE (3200-1500 BCE). *Archaeological Studies*, 14 (2-29): 153-180. <https://doi.org/10.22059/jarcs.2022.348692.143160>

- Fukai, S., & Ikeda, J., (1971). *Dailaman IV: The Excavations at Ghalekuti II & I, 1964*, Tokyo University Iraq-Iran Archaeological Expedition, Reports 12, Tokyo: University of Tokyo, Institute of Oriental Culture.
- Ghasemi Gorji, S., (2017). "The beginning of the Iron Age in the eastern plains of Mazandaran, Master's thesis, Babolsar: University of Mazandaran (unpublished). (in Persian)
- Girshman. R., (1939). *Fouilles de Sialk près de Kashan, 1933, 1934, 1937*, Vol. II, Musée du Louvre, Département des Antiquités Orientales, Série archéologique, Tome V.
- Haerincx, E., (1988). "The Iron Age in Guilan. Proposal for a chronology". *Bronzeworking Centers of Western Asia, c. 1000 B.C.-539 B.C.*, colloquium at the British Museum 1986, Edited by: John Curtis, London: 57-72.  
<https://doi.org/10.4324/9781315788456>
- Haerincx, E., (1989). "The Achaemenid (Iron Age IV) Period in Gilan, Iran". *Archaeologia iranica et orientalis: miscellanea in honorem Louis vanden Berghe*, Gent: 455-474. <http://hdl.handle.net/1854/LU-230424>
- Haerincx, E., Overlaet. B., & Jaffar-Mohammadi, Z., (2004a). "Finds from Khatunban B, Badavar valley (Luristan) in the Iran Bastan Museum, Teheran". *Iranica Antiqua*, 39: 105-168. <https://doi.org/10.2143/IA.39.0.503893>
- Haerincx, E., & Overlaet. B., (2004b). *The Chronology of the Pusht-i Kuh, Luristan, Results of the Belgian Archaeological Mission in Iran*, in: From Handaxe to Khan, Essays presented to Peder Mortensen, Aarhus: 118-136. <http://hdl.handle.net/1854/LU-303416>
- Hakemi, A., (2017). *Archaeological Excavations of the Rudbar River in Gilan. 1964 to 1968*, by: Shahin Aryamesh, Tehran: ICHTO. (in Persian).
- Hasanpour, A., Hashemi, Z., & Overlaet. B., (2015). "The Baba Jilan Graveyard Near Nurabad, Pish-I Kuh, Luristan – a Preliminary Report". *Iranica Antiqua*, 50: 171-212. <https://doi.org/10.2143/IA.50.0.3053519>
- Heidari, N., (2016). "A Survey of prehistoric sites settlement pattern in Mazandaran province from Paleolithic to the end of Iron Age". PhD thesis, Babolsar: University of Mazandaran (unpublished). (in Persian)
- Heidari, N., Abbasnejad, R., & Safari, M., (2021). "Analysis settlement of prehistoric sites of Mazandaran". *Journal of Archaeological Studies*, 12 (24): 63-80. <https://doi.org/10.22059/jarcs.2021.312939.142945>
- Heydarian, M., (2011). "How the prehistoric cultures of western Mazandaran evolved based on archaeological excavations of Tepe Kelar and the Rashek rock shelter of Kalardasht". PhD thesis, Tehran: Tarbiat Modarres University (unpublished). (in Persian)
- Hosseinzadeh Sadati, J., Noor Alivand, H., Javari, M., Montazerdzoori, M., Sohrabinia, A., & Soltishiak, A., (2019A). "Gray pottery culture and second millennium cemeteries of central Iran: an evaluation of absolute dating". *International Conference on the Iron*

- Age in Western Iran and Adjacent Areas (1)*, edited by: Yousef Hassanzadeh *et al.*, Sanandaj: 421-437. (in Persian)
- Jahani, V., (2011). "Manifestations of the Iron I Culture in the Polerud Basin: An Archaeological Investigation of the Qaleh-Garden, Bouych, and Tukamjan Cemeterics". *Bulletin of the Okayama Orient Museum*, 25: 31-58.
  - Jahani, V., (2014). *Archaeology of Deylaman. Archaeological Research in the Ancient Sites of Yasan*. Rasht: Bloor. (in Persian)
  - Kambakhsh Fard, S., (1970). "Gheyraryeh". *Iran*, 8: 180.
  - Kambakhsh Fard, S., (2000). *Pottery and Pottery-making in Iran from the Early Neolithic to the Contemporary Era*. Tehran: Qoghnoos. (in Persian)
  - Khalatbari, M. R., (2004a). *Archaeological excavations in the ancient sites of Talesh, Toul of Gilan*. Tehran: Iranian Centre for Archaeological Research (ICAR), Rasht: Cultural Heritage, Tourism and Handicrafts of Gilan Province. (in Persian)
  - Khalatbari, M. R., (2004b). *Archaeological excavations in the ancient sites of Talesh, Waskeh and Mian-Rud*. Tehran: Iranian Centre for Archaeological Research (ICAR), Rasht: Cultural Heritage, Tourism and Handicrafts of Gilan Province. (in Persian)
  - Khalatbari, M. R., (2004c). *Archaeological excavations in the ancient sites of Talesh, Maryan and Tandovin*. Tehran: Iranian Centre for Archaeological Research (ICAR), Rasht: Cultural Heritage, Tourism and Handicrafts of Gilan Province. (in Persian)
  - Khalatbari, M. R., (2018). "Excavation in the Izgam Cemetery of Rasht". *Reports of the 16th Annual Iranian Archaeology Conference (Collection of Short Articles 2017)*, Tehran: ICHTO: 169. (in Persian)
  - Muscarella, O.W., (1974). "The Iron Age at Dinkha Tepe, Iran". *Metropolitan Museum Journal*, 9: 35-90. <https://doi.org/10.2307/1512656>
  - Nemati, M.R., (2022). "4<sup>th</sup> season of the Excavation of the Mersin Chal Cemetery (Finsk Dam), Semnan Province". *A Selection of Findings from Iranian Archaeological Research in 1400 (Twenty-First Annual Meeting of Iranian Archaeology, March 1402)*, First Edition, Tehran: Cultural Heritage and Tourism Research Institute: 121-132. (in Persian)
  - Kazempour, M., Niknami, K., Abedi, A., & Eskandari, N., (2017). "A Fortress and New Kurgan Burials at Zardkhaneh Ahar: Reassessment of the Chronology of the Late Prehistory of Northwestern Iran". *International Journal of the Society of Iranian Archaeologists*, 3 (6): 13-36. [http://journal.soia.org.ir/download/64\\_16506a8deebd5c446736cc6a06e73381.html](http://journal.soia.org.ir/download/64_16506a8deebd5c446736cc6a06e73381.html)
  - Khlopin, K.I., (1983). *Southwestern Turkmenistan in The Late Bronze Age Based on The Materials of The Sumbar Burial Grounds*. Russian Academy of Sciences, Institute of the History of Material Culture, Leningrad, Hauka. (in Russian)
  - Kiani, M. Y., (1979). *Iranian Pottery: A Study of Iranian Pottery, Prime Minister's Collection*, Tehran: Prime Minister. (in Persian)
  - Majidzadeh, Y., (2010a). *Excavations of the Uzbek Ancient Site, Volume I: Art and Architecture*. Tehran: Cultural Heritage Tourism, and Handicrafts of Tehran Province. (in Persian)

- Majidzadeh, Y., (2010b). *Excavations of the Uzbek Ancient Site, Volume II: Pottery*. Tehran: Cultural Heritage Tourism, and Handicrafts of Tehran Province. (in Persian)
- Malek Shahmirzadi, S., & Nokandeh, J., (2000). *Aq Tapeh*, Tehran: ICHTO (in Persian)
- Medvedskaya, I.N., (1982). *Iran: Iron Age I*, Oxford: British Archaeological Reports Oxford Ltd, BAR International, 126.
- Miniaci, G., (2018). "Multiple Burials in Ancient Societies: Theory and Methods from Egyptian Archaeology". *Cambridge Archaeological Journal*, 29 (2): 287-307. <https://doi.org/10.1017/S095977431800046X>
- Mir Mousavi, M., & Nokandeh, J., (2017). "Kabudval Site, a new discovery from the Iron Age in the Gorgan Plain". *Collection of Papers of the First Specialized Meeting on the Archaeological Perspective of the Northern and Northwestern Iron Age*, edited by: Vali Jahani and Mahdis Najafzadeh, Rasht: Cultural Heritage, Tourism and Handicrafts of Gilan Province: 36-54. (in Persian)
- Naqshineh, A. S., Hatami, E., & Nikravan Matin, H.N., (2013). "Petrographic study of Iron Age pottery from Hotu Cave". *Iranian Archaeological Research*, 5: 63-78. (in Persian)
- Naqshineh, A. S., (2005). "Excavations of Huto Cave and the significance of its Iron Age pottery findings". *Payam Bastanshenas*, 3 (2): 59-78. (in Persian)
- Negahban, E., (1996). *Marlik: the complete excavation report*, Vol. 2. Illustration, Philadelphia: University Museum, University of Pennsylvania. <https://commons.library.stonybrook.edu/amar/209/>
- Nishiaki. Y., Mikuni. H., Ogawa, Y., & Arimatsu. Y., (2006). *Catalogue of archaeological materials in the department of archaeology of West Asia Part 7, Pottery from Ancient Tombs of the Dailaman District, Iran*, Tokyo: The University of Tokyo, Material of Reports. 63.
- Olson, K. G., & Thornton C.P., (2019). "Tureng Tepe, a Bronze Age Centre in Northeastern Iran Revisited". *Iran*, 59 (1): 4-35. <https://doi.org/10.1080/05786967.2019.1679034>
- Pearson Parker, M., (1999). *The archaeology of death and burial*, Texas: Texas A & M University Press.
- Piller. C. K., & Mahfrouzi. A., (2009). "First preliminary report on the joint Iranian-German excavations at Gohar Tappe, Mazandaran, Iran". *Archaologische Mitteilungen aus Iran und Turan*. 41: 177-209.
- Pigott, V. C., (1989). "The Emergence of Iron Use at Hasanlu". *Expedition Magazine Penn Museum*, 31 (2-3): 68 – 79.
- Pigott, V. C., (2004b). "Hasanlu and the Emergence of Iron in Early 1st Millennium BC Western Iran". *Persia's Ancient Splendour, Mining, Handicraft and Archaeology*, In: Stöllner. T. Slotta. R. Vatandoust. A. (Eds.), Bochum: Deutsches Bergbau- Museum: 350-353.

- Rezaei, H., (2018). "Report on the sounding to determine the area and boundaries of the Tepe Sharif of Gorgan". *Reports of the 16th Annual Iranian Archaeology Conference (Collection of Short Articles 2017)*, Tehran: ICHTO: 220-225. (in Persian)
- Rezaei Nia, A., Ali, Vahdati, A A., & Sharifi, M., (1400). "Findings of the Iron Age Culture of Tepe Parija, Mazandaran". *Parseh Archaeological Studies*, 5 (16): 51-68. (in Persian)
- Rezalou, R.. and Ayremlou, Y., (2016). "Preliminary Report on the First Season of Excavations at Gilavan Cemetery in Northwestern Iran". *International Journal of the Society of Iranian Archaeologists*, 2 (4): 45-74. <http://journal.soia.org.ir/35-a-preliminary-report-on-the-first-season-of-excavation-at-gilavan-cemetery-in-northwestern-iran.html>
- Rezalou, R., and Ayremlou, Y., (2017). "Iron Age I graves of Gilvan-Khalkhal cemetery". *Parseh Archaeological Studies*, 2 (1): 37-58. (in Persian)
- Roustaei, K., & Koohi Gilvan, M., (2007). "Tepe Hissar in the Iron Age". *Research Institute Letter*, 21-20: 69-88. (in Persian)
- Safari, M., (2020). "A Chronology and Study of Intra-and-Extra-Regional Interactions on the Northern Border of the Central Alborz during the Bronze Age based on the Excavation of Bozrudpey Tepe (Ghal e-Ben) in Babol, Mazandaran". PhD thesis, Babolsar: Mazandaran University (unpublished). (in Persian)
- Samadi, H., (1955). "Brief information about some vessels discovered in the Darous of Shemiran". *A chapter from the third volume of Archaeological Reports*, Tehran: Ancient Iran Museum: 139-146. (in Persian)
- Sarlak, S., (2011). *Archaeology and History of Qom: Results of Archaeological Excavations and Stratigraphy of the Qoli Darvish and Shadgholi Khan Sites*, Qom: Cultural Heritage, Handicrafts and Tourism of Qom Province, Shakhes. (in Persian)
- Schmidt, E.F., (1937). *Excavations at Teppéh Hissar Damghan*, with an Additional Chapter on the Sasanian Building at Teppéh Hissar by Fiske Kimball, Philadelphia: University of Pennsylvania Museum of Archaeology and Anthropology. <https://doi.org/10.2307/j.ctv5rf6cp>
- Schmidt, E.F., (1989). *The Holmes Expedition to Luristan. Plate*, Oriental Institute Publications, Vol. 108, Edited by: Maurits N. Vanloon, Hans H. Curvers & J A Brinkman, Chicago: The Oriental Institute. <https://isac.uchicago.edu/research/publications/oip/holmes-expeditions-luristan>
- Sharifi Holaei, A., (2007). "Archaeological excavations at the Iron Age site of Gondab Shahmirzad, Semnan Province". *Reports of the 9<sup>th</sup> Annual Conference on Iranian Archaeology (Collection of Articles: Volume 2)*, First Edition, Tehran: Cultural Heritage and Tourism Research Institute: 229-246. (in Persian)
- Sharifi Holaei, A., (2017). "Archaeological Researches of the Iron Age Cemetery of Gandab Shahmirzad, Semnan Province". *Parseh Archaeological Studies*, 1 (1): 49-60. (in Persian)

- Silakhuri, B., (2014). "Investigation and analysis of archaeological findings at the Parija site, Ghaemshahr County, Mazandaran". Master's thesis, Babolsar: University of Mazandaran (unpublished). (in Persian)
- Stronach, D., (1969). "Excavations at Tepe Nūsh-I Jān, 1967". *Iran*, 7 (1): 1-20. <https://doi.org/10.1080/05786967.1969.11834770>
- Tadahiko, O., & Takuro, A., (2006). "Outline of the Research during the 2005 Fiscal Year". *Report of the Iran Japan Joint Archaeological Expedition to Gilan, Fifth Season*, Edited by: Ohtsu Tadahiko, Jebrael Nokande, Yamauchi Kazuya and Adachi Takuro, Tehran: ICHTO, Tokyo: MCCEJ: 6-29.
- Thornton, C.P., & Pigott, V. C., (2011). "Blade-type weaponry of Hasanlu Period IVB". *Peoples and Crafts in Period IVB at Hasanlu, Iran*, edited by: Robert H. Dyson: 135-182. <https://doi.org/10.2307/j.ctt13x1nndd>
- Vanden Berghe, L., (1964). *La nécropole de Khūrvin*, Istanbul: Nederlands Historisch-Archaeologisch Instituut in Het Nabije Oosten.
- Vanden Berghe, L., (1969). (1964). *Archaeology of Ancient Iran, Iranian Archaeological Treasure*, No. 2, translated by: Issa Behnam, Tehran: Tehran University. (in Persian)
- Young, T., C., (1965). "A comparative ceramic chronology for western Iran, 1500-500 B.C". *Iran*, 3: 53- 85. <https://doi.org/10.2307/4299561>
- Young, T., C., (1994). "Rethinking the Iranian Iron Age: Preliminary Theories for Evaluating Previous Beliefs". translated by: Kamyar Abdi, *Cultural Heritage*, 12: 237-249. (in Persian)